

مدرسه شهری

شماره ۳۸ بهار ۹۴

No.38 Spring 2015

■ ۳۰۱-۳۳۲ ■

زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۱۲

زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۷/۱۲

تأثیر باورها و مراسم آیینی در پایایی و پویایی فضاهای شهری؛ مورد پژوهی: تعزیه در پایایی حسینیه‌ها و تکایا در ایران

مصطفی پاسدار شیرازی* - کارشناس ارشد کارگردانی پرديس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
علی رضا صادقی - هیات علمی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Impact on the stability and dynamics of beliefs and ritual spaces, of Tehran: Iran's quite the reliability Takaya

Abstract

Beliefs and ritual pervasive role in the transformation of urban spaces on the one hand, and their reliability and durability on the other hand, have had. If today we can influence the structure and configuration of beliefs and ritual observed. On the other hand, the mourning and quite over time in the context of cultural and physical structure existed as a cultural element is eternal and everlasting. In this paper, the reasons for the persistence of the Tkaya are quite historically paid. This study is a descriptive analysis of the "meta-analysis methods" and "instruments" for approval "content validation study" is used. The findings show that there is a spiritual sense of the sacred and especially the ideas in each area, and the complex biological environment of the neighborhood and the neighborhood villages and cities can help to "eternal" and the space environment and sustainable development of the place and is eternal. "Sense of place" to "settings" it depends. The relationship between the three levels of meaning as "syntactic meaning", "meaning of the concept" and "functional significance" can be outlined: (A) - "means the way" to the location of the Hosseine in the city such as grammar points. (B)- "conceptual level" means the norms, values and attitudes that are offering rooms, that can be the result of people's beliefs and convictions Shiite leader of the free world to the server and Imam Hussein. (C)- "functional significance" to the users of the Tkaya and exploit the people will. The sample can be any day of mourning in the mosque and the people associated with these spaces and reception.

Keywords: reliability, rooms and Tkaya, meaning syntactic, semantic and functional meaning, Taaziye and religious rituals.

چکیده

باورها و مراسم آیینی نقشی فراگیر در تحولات و تغییرات فضاهای شهری از یک طرف، و پایایی و ماندگاری آنها از سوی دیگر، داشته‌اند؛ چنانچه امروزه می‌توان تاثیرات باورها و مراسم آیینی را در ساختار و پیکر شهر مشاهده کرد. از سوی دیگر، مراسم عزاداری حسینی و تعزیه در طول زمان در بافتار فرهنگی و ساختار کالبدی ایران وجود داشته و به مثابه عنصری فرهنگی جاودان و ماندگار بوده است که ایام عزاداری حسینی تاکیدی بر این امر است. در مقاله حاضر به دلایل ماندگاری تعزیه و حسینیه‌ها در طول تاریخ پرداخته می‌شود. روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی است و از «روش فراتحلیل» و «تحلیل اسنادی» نیز برای تایید و «اعتبارسنجی محتوا تحقیق» استفاده شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که وجود معنای قدسی و بالاخص انگاره‌های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله‌ها تا روستاهای و شهرها می‌تواند زمینه ساز «ماندگاری و جاودانگی» محیط و فضا و بروز مکانی ماندگار و جاودان گردد. «معنای مکان» به «زمینه محیطی» آن نیز بستگی دارد. در این رابطه سه سطح از معنا را تحت عنوان «معنای نحوی»، «معنای مفهومی» و «معنای عملکردی» می‌توان برشمود: الف- «معنای نحوی» به چگونگی قرارگیری حسینیه‌ها در محیط و شهر به مثابه دستور زبان نحوی اشاره دارد؛ ب- «سطح مفهومی» معنا به هنجارها، ارزشها و نگرشی که حسینیه‌ها ارائه می‌کنند، اطلاق می‌شود که منتج از باورهای مردمی و اعتقادات شیعه به سرور و سالار آزادگان جهان امام حسین (ع) است؛ و- ج- «معنای عملکردی» را به استفاده کنندگان از محیط حسینیه‌ها و تکایا و نوع بهره برداری مردم ربط پیدا می‌کند که نمونه آن را می‌توان هر سال در ایام عزاداری حسینی در حسینیه‌ها و خیل حضور و ارتباط مردم با این فضاهای دریافت.

وازگان کلیدی: پایایی، حسینیه و تکایا، معنای نحوی، معنای مفهومی و عملکردی، تعزیه و آیین‌های دینی.

مقدمه

فرهنگ و باورهای هر قوم و حوزه سرزمینی در کالبد معماری و ساختار شهری بروز داشته است؛ چنانچه امروزه اگر در ترکیب سکونتگاهی انسان، برگزاری آیین‌های جمعی قواعد خاصی را به جا گذارد که از جهتی مستقل از تاثیر سایر عوامل محیطی باشد، در این صورت باید به «نظم آیینی» اشاره داشت؛ نظمی که مجموعه مفاهیم نمادین و حرکات آیینی بر شکل گیری فضای شهری آدر اینجا فضاهای حسینیه‌ها اعمال می‌کند. لازمه تحقیق در این رابطه شناخت عناصر و فضاهایی است که در برگزاری این آیین‌ها کارکرد دارند و از جهت دیگر، یافتن قواعد احتمالی است که این فضاهای را بافت مجاور و یا پیکره شهر بجا گذاشته‌اند. تحلیل فرآیند بیان از سیر از حضور تا ظهور در کالبد فضاهای شهری آو منجمله حسینیه‌ها، به دو شیوه امکان دارد: ۱. اصل صورت پذیری و ۲. پایه‌های نمادین صورت دهی.

اولی اصولی را شامل است که در صور متعدد وحدت بیانی را سبب می‌شود و دومی در عین حال که تابع اولی است شامل عناصر و یا عواملی می‌باشد که می‌توانند در بیان موثر واقع شوند. از سویی دیگر، بیان معماری خاصه معماری منبعث از ارزش‌های دینی و قدسی، نیازمند زبانی خاص است که جلوه‌ای نمادین و معنایی به خود می‌گیرد، خاصه اگر منتبه به اندیشه‌های دینی و اسلامی باشد؛ چنانچه در اسلام، مهم‌ترین منابع ایده‌های عرفان‌شناختی قرآن و حدیث بوده‌اند و

اصلی‌ترین عامل ماندگاری فضاهای شهری نیز میزان ارتباط و پیوستگی آنها با سطوح ارزشی معرفت شناختی جلوه‌گر شده است. ساختار و استخوان‌بندی شهر و پایایی و پویایی فضاهای شهری زمانی مناسب خواهد بود که به مدد آن شهر خوان و با هویت باشد. با به هم پیوستن نمادها و نشانه‌ها از طریق استخوان‌بندی شهری، بر اهمیت و تاثیر آنها افزوده خواهد شد. سیمای

متشخص نمادها و نشانه‌ها در ذهن ناظر ثبت شده و حاصل چنین مجموعه‌ای از شبکه نمادین شهر، برای شهر هویتی نمادین در پی خواهد داشت و بدین ترتیب قابلیت ادارک و تصویر جامع از یک شهر وسیع، با خوانایی کامل هر یک از قسمتها و در نهایت ادارک کل مجموعه شکل یافته مرتبط خواهد بود. معماری سنتی، تصویری است از کیهان یا انسان در بعد کیهانی اش و همواره در ارتباط و مانوس با کیهان‌شناسی. انسان (عالی صغير) همچون کیهان (عالی بیگر) اصل الهی و حقیقت ماورایی را باز می‌تاباند. در واقع به همین دلیل است که جنبه‌های غیرمادی در زمان حال، تاثیری شگرف بر رفتارهای آدمی و نوع تعلقات و ارتباط او با محیط طبیعی و محیط زیستی دارد که خود را در مراسم‌ات آیینی و مذهبی و حافظه و خاطره تاریخی- مذهبی یک قوم نشان می‌دهد که بی‌شك در رابطه با شکل گیری مکانهای مذهبی و مکانهای برآمده از حافظه تاریخی- دینی یک قوم نیز مشهود است؛ چنانچه حسینیه‌ها و تکایا از مهمترین مکانهای قابل ذکر در این رابطه بشمار می‌روند.

در مقاله حاضر به دلایل معرفت شناختی و تحلیل پایایی حسینیه‌ها در ایران با اشاره به مراسم آیینی و دینی تعزیه پرداخته شده است و تلاش شده است تا به اجمال به چرایی و چگونگی پویایی این مکانهای مذهبی اشاره گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق مقاله حاضر «توصیفی- تحلیلی» است که از ابزار گردآوری اطلاعات مشتمل بر «مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی» بهره برده است. همچنین در مرحله تحلیلی و بیان یافته‌ها از «روش تحلیل منطقی» و مدل‌های نظری شهرسازی شامل مدل‌های نظری لنگ، و مونتگمری و موارد مشابه استفاده شده است. در پایان نیز هریک از مولفه‌های ماندگاری در قالب یکی از نظریات جامع در حوزه شهری به «پایایی مربوط به حسینیه‌ها»

جدول ۱. تعاریف و مفهوم شناختی فرهنگ؛ مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس منابع مورد اشاره.

کلیت همتأفته‌ای شامل دانش، دین، هنر، قانون، اخلاق، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عادتی که آدمی به عنوان عضو جامعه بدست می‌آورد (معینی، ۱۳۸۷، ص ۳).	تايلور
باورها، نظامهای فکری، فنون علمی، راه و روش‌های زندگی، رسماهای سنتها، و تمامی شیوه‌های کردار که جامعه بدان سازمان می‌بخشد، فرهنگ نامیده می‌شود (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۴۸).	هيلر
فرهنگ به سادگی عبارت است از کلیت یکپارچه‌ای شامل وسائل و کالاهای مصرفی، ویژگی‌های اساسی گروههای اجتماعی گوناگون، و پیشه‌ها و باورها و رسماهای بشری (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۴۹).	مالينوسكى
فرهنگ برخاسته از آگاهی جمعی است که دورکیم آن را به «مجموعه‌ای از باورها و احساسات مشترک بین اعضای جامعه» تعریف می‌کند (بدیع، ۱۳۸۴، ص ۳۸).	دورکيم
مفهوم فرهنگ اساساً یک مفهوم سربسته است. گفته ماکس وبر را در نظر می‌گيريم که انسان حیوانی است گرفتار در تور عظیمی که خودش تنیده، من فرهنگ را آن تور و تحلیل آن رانه یک علم تجربی در جستجوی قانون، بلکه علمی تفسیری در جستجوی معنا می‌دانم.	كليفورد ギيرتر
پدیده فرهنگ را از یک طرف، محصول روابط اجتماعی متقابل و از طرف دیگر عامل تعیین کننده این روابط می‌داند. به پیروی از سنت مردم‌شناسان، پارسنز فرهنگ را آموزش و پرورش انتقالی و مشترک می‌داند (پژوهنده، ۱۳۹۰، ص ۸۵).	تالكت پارسونز
مجموعه به هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریح که به وسیله اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است و برای اینکه این افراد، گروهی معین و مشخص را تشکیل دهند لازم است که آن مجموعه بهم پیوسته به نحوی - در عین حال عینی و سمبولیک - مراعات گردد (روح الامینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).	گي روشه
فرهنگ، صورت‌های رفتار عادتی مشترک در یک گروه، یک باهمستان، یا جامعه است و از عوامل مادی و غیرمادی ساخته شده است (آشوری، ۱۳۸۸، ص ۶۳).	يانگ
فرهنگ دو جنبه دارد و بر روی هم ثابت و خواستار حفظ ارزش‌های مکتسب جامعه است و هم خلاق و نوپرداز فرهنگ به عنوان میراث فرهنگی، سلیقه‌ساز یعنی سرمشق و الگوی رفتار و سلوک است و به عنوان تغییردهنده سیر تحول و راهبر تغییرات است (ستاری، ۱۳۷۶، ص ۹۶).	شومباردولو
فرهنگ به مجموعه شیوه زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود؛ چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسماهای ازدواج و زندگی خانوادگی الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمیهای اوقات فراغت، همه را در بر می‌گیرد (گيدنز، ۱۳۷۸، ص ۷۶).	آنتونی گيدنز
فرهنگ وسیله‌ای است که بشر جهت ادامه حیات خویش به آن تکامل بخشیده است. در زندگی ما هیچ چیز از تأثیرات فرهنگی عاری نیست. فرهنگ سنگ بنای تمدن است و وسیله‌ای است که همه حوادث زندگی باید از طریق آن جریان یابد (لاری و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۵).	ادوارد. تي. هال

مدريدي شهرى

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۳۰۳

فرهنگ و ایدئولوژی همان بازتاب‌های روابط طبقاتی هستند که محتوای آنها را عقاید و باورهای کسانی که قدرت را در دست دارند تعیین می‌کند. دلایل اثبات این موضوع این است که فرهنگ یکپارچه و یکدست است و نمی‌تواند به خودی خود تأثیری ایجاد کند (بیلینگتون، ۱۳۷۸، ص ۶۲).	مارکس
فرهنگ یک گروه مجموع و سازمان میراث‌های اجتماعی است که خیم نژادی و زندگی تاریخی گروه بدان معنای اجتماعی بخشیده است (آشوری، ۱۳۷۸، ص ۵۱).	پارک و برجس
مارکوزه فرهنگ را بحد عالی تری برای استقلال و به ثمر رسیدن انسان می‌داند. فرهنگ اصیل را به معنای تحقق اراده و استقلال فرد می‌داند (معینی، ۱۳۸۷، ص ۶۵).	مارکوزه
فیلسوف آلمانی و پدر پدیدارشناسی، فرهنگ را «ترکیب ذهنیتهای متعالی» از تجربیاتی دانسته است که همه افراد بشر فهمیده‌اند.	ادموند هوسرل
هر فرهنگ را می‌توان همچون مجموعه‌ای از نظامهای نمادی در نظر گرفت که در ردیف نخست آن‌ها زبان، مقررات زناشویی، روابط اقتصادی، هنر، علم و مذهب جای دارند. همه این نظامهای بیان جنبه‌هایی از واقعیت فیزیکی و واقعیت اجتماعی، و از این‌هم بیشتر، بیان روابطی که این دو نوع واقعیت بین خود و روابطی را که نظامهای نمادین خود با یکدیگر برقرار کرده‌اند، هدف قرار می‌دهند (دنی کوش، ۱۳۸۸، ص ۷۶).	کلودلوی اشتراوس
هگل فرهنگ را زاده نیازها و ناهمانگی می‌داند. فرهنگ تمامی وسائل توسعه شخصی، ایده‌ها و همین‌طور عوامل مادی مانند ثروت را در برمی‌گیرد (معینی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).	هگل
به نظر مارگارت مید «فرهنگ پذیرشی از مجموع رفتارها و اعمال موجود در یک جامعه است که اعضا و افراد آن با ضوابطی مشترک تمامی آن را به کودکان خود و قسمتی از آن را به مهاجرینی که به عضویت جامعه درمی‌آیند، منتقل می‌سازند (روح‌الامینی، ۱۳۸۶، ص ۱۸).	مارگارت مید

جدول ۲. انواع و مراتب شناخت معماری و فضاهای شهری؛ مأخذ: نقره‌کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴.

انواع و مراتب آفرینشگری هنری	انواع و مراتب جهان‌بینی	انواع و مراتب شناخت
تخیل حسی	جهان احساسی (گیاهی)	احساس
تخیل وهمی	جهان انگاری (حیوانی)	خيال، وهم و گمان
تعقل حسی	جهان شناسی علمی یا فلسفی (انسانی)	علم، دانش و حکمت
تعقل شهودی	جهان شهودی (انسان و ملکوت)	شهود

تعمیم داده شده و مطالبی چند در این رابطه ارائه تأکیدهای خاصی که از کاربرد آنها نشأت گرفته است، می‌توان به چند دسته تقسیم کرد:

۱. «تعريفهای تاریخی»: که تکیه بر میراث اجتماعی در طول تاریخ جامعه دارد.
۲. «تعريفهای روان‌شناختی»: که تکیه بر الکو

مبانی نظری
فرهنگ و باورهای شناختی فرهنگ
تعريفها [در رابطه با فرهنگ] را با توجه به

شباهت‌های بین این آیین و آیین‌های کهن در ایران باستان اشاره دارند (یارشاطر، ۱۳۶۷، ص ۴۲) و (عنصری، ۱۳۷۱، ص ۲۵) و (همایونی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۸).

از سویی دیگر، اسطوره شناسان، سابقه مناسک و آیین‌های جمعی را بسیار کهن می‌دانند و عموماً به ابعاد نمادین بسیار غنی آنها اشاره دارند. آیین‌های جمعی معمولاً شامل مجموعه به هم پیوسته‌ای از مراسم است که برگزارکنندگان آن با نمایش، حرکات تنظیم شده همراه با استفاده از شمایل و علامتهای خاص، شبیه‌سازی (گاهی همراه با موسیقی و کلام) در فضای مشخصی به اجرا می‌گزارند و یا طی آن فضاها و اماکن عموماً مقدسی را از طریق مسیرهای ثابت در پیکره سکونتگاه طی می‌کنند. این آیین‌ها ممکن است فصلی و مقارن با دوره‌های باروری گیاهان و یا سالیانه بوده، و یا رویداد تاریخی را بازسازی کنند (امین زاده، ۱۳۸۶، ص ۶).

به اعتقادی «رفتارهای مناسک آمیز (جشنها، اعیاد، سوگواری جمعی) ممکن است در ظاهر برای

و روش تسهیل سازگاری با محیط و جامعه دارد. ۳. «تعريفهای ساختاری»: که در آن تأکید بر ایجاد شده‌ها توسط اجتماع بشری را دارد.

۴. «تعريفهای تشریحی»: تأکید بر عناصر تشکیل دهنده فرهنگ را دارد. در ادامه در قالب جدول شماره ۱ تعاریف از فرهنگ اشاره شده است.

مراسم آیینی و آیین‌های جمعی

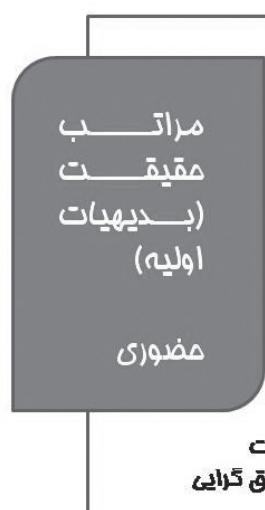
بنا به مستندات تاریخی و گزارش سفرنامه‌ها در شهرهای ایران از دیرباز آیین‌ها و مناسک جمعی مختلفی صورت می‌پذیرفته است. برخی از این‌ها حتی تا اوایل قرن حاضر نیز به صور گوناگون اجرا می‌شده‌اند؛ از جمله؛ صورهای مختلف آیین‌طلب باران، آفتاب و باد؛ لیکن بدون شک هیچ‌کدام از آیین‌های جمعی مرسوم در ایران تداوم، انسجام و از جهتی یگانگی عظمت‌های آیین‌های سوگواری برای امام سوم شیعیان را ندارد. این آیین که از جهتی بازنمایی یک رویداد مهم تاریخی است؛ از دیرباز باشکوه و تاثر عظیم برگزار می‌شود. محققان بسیاری به

مدیریت شهری

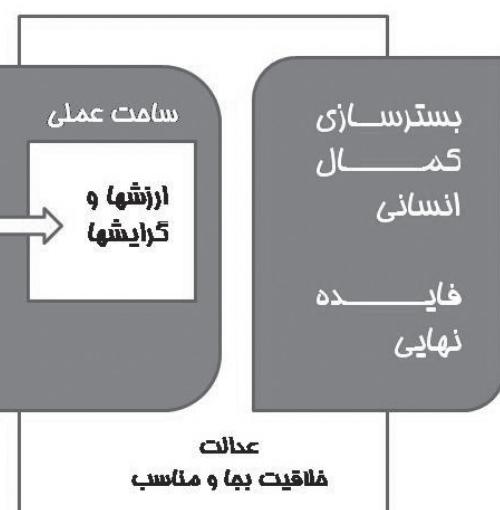
فصلنامه مدیریت شهری
 Urban Management
 شماره ۳۸ بهار ۹۴
 No.38 Spring 2015

۳۰۵

مینا و معیار نظری (پیشینی)



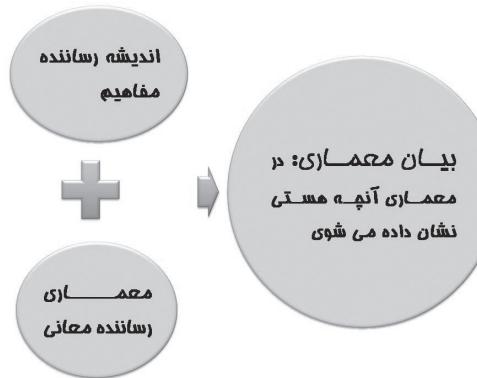
مینا و معیار عملی (پیشینی)



نمودار ۲. مینا و معیار عملی (پیشینی) و مینا و معیار نظری (پیشینی) در ماهیت بروز حقیقت در معماری مذهبی؛
 مأخذ: کوچکیان بر اساس نقره کار، ۱۳۸۵، ص ۳۴.

یک شیء باید آن را به اصلش باز گرداند. و این کار با تأویل امکان پذیر است. تأویل پلی میان ظاهر و باطن است. و برای رسیدن به تأویل به فلسفه نبوی و معرفت نیاز است. از این منظر ادراک معماری و اجزایش وسعتی دو جهانی می‌یابد. با وارد شدن به عالم عرفانی و شهودی سازندگان و عالم این جهانی آنها درک صحیح ساخته‌های آنها حاصل می‌شود. بنابراین شناخت زبان معنا و زبان رمز ضررت خواهد داشت. «مهرداد بهار» با استناد به سخنان «الیاده» و مطالب گفته شده، می‌نویسد: «هدف مومنان از اجرای این مراسم پیوسته کوششی بوده است برای بازگشت به آغاز و دنبال کردن جریانی که ساخت و نظم هستی به وسیله آن پدیدار آمد تا مگر حود را در آن شرایط مقدس آغازین بیابد و خود بخشی از جهان قدسی گردد» (بهار، ۱۳۷۵، ص ۳۵).

از ابتدای تاریخ بشر، یکی از نخستین صورتهای نمایش که مورد توجه انسان قرار گرفت، نمایشهای تقليدی و جادویی برای موفقیت در شکار یا تغییب نیروهای غیبی جهت تنزیل باران و جشن‌های باروری و کشاورزی بوده است، و تصاویر بدست آمده از غارها و اشیاء مکشوفه در اثر حفریات و جالب‌تر از آنها گزارشات و مشاهدات از مراسم و آداب قبایل ابتدایی که تا عصر اخیر و شاید هنوز، در جزایر ملاتزی و استرالیا و برخی در هند و آفریقا زندگی می‌کنند، شاهدی در این مورد می‌باشد. در واقع «نمایش تقليدی» بهترین شیوه برای برانگیختن احساسات و تصویرسازی و بیان واقعیت است (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲، ص ۱۶۲)، چنانچه در کتاب محاسن اصفهان نیز نام تعدادی دلک آمده است. به غیر از تقليدچیان، عده‌ای نیز بودند که به وسیله عروسک بازی نمایشهایی برای سرگرمی بینندگان ترتیب می‌دادند و ظاهراً اینکار در زمان سلاجقه در ایران معمول بوده است (جنتی عطایی، ۱۳۳۳، ص ۵۲). همچنین «ابن خلدون» هم (قرن هشتم) در باب غنا به رقصانی



نمودار ۳: زمینه بین حقیقت اثر معماری از دیدگاه ندیمی مأخذ: کوچکیان بر اساس ندیمی، ۱۳۸۵.

مردمی که آنها را انجام می‌دهند چندان نفعی در بر نداشته باشد، اما در واقعیت امر، این مناسک می‌توانند کارکرد بنیادی تقویت و همبستگی گروهی را انجام دهند و به ادغام رفتار فردی و یک ساختار گروهی کمک کنند؛ در نتیجه اضطراب را کاهش دهنند» (بیتس پلاک، ۱۹۹۰، ص ۱۹۰). «الیاده» در رابطه با مراسم آیینی و دینی چنین اشاره می‌کند:

«عمل مذهبی و آیینی این ویژگی را دارند که زمان حال را به زمان اساطیری پیوند می‌دهند، زمانی که ناظر واقعه‌ای بود هر قدر کهنه و دیرینه، چون با برگزاری آین مورد نظر آن را بیادآوری و تکرار می‌کنند؛ لذا حاضر می‌شود و اگر بتوان گفت (باز به نمایش در آمده) حضور می‌یابد. آلام مسیح و مرگ و رستاخیز در مناسک هفته مقدس فقط تذکر داده نمی‌شود، بلکه براستی در برابر دیدگاه مومن می‌گذرند و هر مسیحی راستین باید حس کند که معاصر وقایع تاریخ گذار است، زیرا زمان تجلی قداست با تکرار حضور می‌یابد» (الیاده، ۱۳۷۶، ص ۸۲).

باید اشاره داشت که از منظر جهان‌بینی قدسی، در هر چیزی معنایی نهان مستتر است و مکمل هر صورت خارجی واقعیتی است که ذات نهانی و درونی آن را شکل می‌دهد. برای شناخت تمامیت

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۰۶

اشاره می کند که تمثالت‌هایی از اسبابی چوبی و لباسهایی مخصوص را می پوشیدند و به وسیله آن تقلید اسب دوانی می کردند و در مهمانیها و عروسیها و جشنها با انواع کارها مردم را سرگرم می کردند (ابن خلدون، ۱۳۵۳، ص ۸۵۵).

در دستگاه خلافت بنی امیه و بنی عباس در کنار خوانندگان و نوازندهان مجالس لهو و لعب عده‌ای تقلیدچی و دلچک نیز بودند که با نمایش‌های خود دیگران را سرگرم می کردند. اشعب از مشهورترین دلچکان زمان بنی امیه و خلیع دمشقی و ابوالعبر از دلچکهای دوره هارون و متولک عباسی بودند. این دلچکان از لباسهای گوناگون و مضحك استفاده می کردند و علاوه بر آن گاه در پوست حیواناتی مثل خرس و میمون می رفتند و از آنها تقلید می کردند (جرجی زیدان، ۲۵۳۶، ص ۱۰۱۴). در رابطه با مراسم مذهبی که جنبه‌ای تفریحی به خود می گرفت، مطلبی از «ابن اخوه» در کتاب «آیین شهداری (معالم القریب)» متعلق به قرن هفتم و هشتم هجری در ضمن باب چهل و هشت در مورد حسابت بر اعظامان، نوشته شده که هر چند بسیار مختصر و مبهم می باشد، با این وجود قابل توجه است. او پس از آنکه وظایف اعظام و شرایط وعظ را بیان می کند، از اجتماعات وعظی که برای تفریح برگزار می شود، شکایت می کند و چنین می گوید:

«البته اجتماعاتی بیهوده هم تشکیل می شود که مردم نه برای شنیدن پند و سود بردن در آنجا گرد می آیند بلکه این مجتمع نوعی تفریح و سرگرمی است و کارهایی ناروا از قبیل فراهم امدن زنان و دیدن یکدیگر در آنجا صورت می گیرد، اینها همه بدعت و گمراه کننده است و باید به سختی از این امور ممانعت شد» (ابن اخوه، ۱۳۶۰، ص ۱۸۲).

«کاشفی» درباره معركه گیری نکاتی را از نظر جامعه شناسی بیان می کند. در جایی در مورد ویژگیها و خصوصیات معركه گیر از ده صفت نام می برد که عبارت از «خوش برخورد و خندان

بودن»، «چالاکی»، «وقت شناسی»، درک و شناخت محیط خوب برای معركه گیری، شرکت دادن حاضران در معركه، یاد کردن پیران و بزرگان، صلووات دادن و عدم تعرض به کسی می باشد. «کاشفی» در مورد تقسیم بندی معركه از نظر اخلاقی، آن را به دو نوع یکی مقبول و پسندیده و دیگری نامقبول و نامشروع، تقسیم می نمایند و آن را از نظر حرفه ای به سه طایفه تقسیم می نماید: ۱- «اهل سخن» خود شامل سه طایفه اند که عبارت اند از: مداحان و غراخوانان و سقایان؛ خواص گویان و بساط اندازان؛ قصه خوانان و افسانه گویان.

۲- «اهل زور» را شامل هشت طایفه می داند که عبارتند از: کشتی گیران، سیگ گیران و ناوه کشان و سله کشان و خمالان و مغیر گیران و رسن بازان و زورگران.

۳- «اهل بازی» را به سه طایفه تقسیم می کند که عبارتند از: طاس بازان، لعبت بازان و حقه بازان و برای هریک تعریفی آورده که نقل می شود. در مورد طاس بازی می گوید: در این کار چهار فعل است و هر یک معنی دارد. اول جبه پوشیدن، دویم چرخ زدن، سیم رخت (برداشتن) و پنهان کردن و چهارم باز آوردن و درباره لعبت بازی حکایتی را نقل می کند که گویای چگونگی لعبت بازی، عروسك بازی در آن هنگام می باشد. می گوید: «عزیزی گفته است که روزی به هنگام لهوی حاضر شدم، شخصی را دیدم نشسته و چادری در سر کشیده و دو صورت در زیر چادر نگاه داشته، گاه به زبان یک صورت سئوال می کند، با آواز مردی بالغ بلند آواز و باز خود) جواب گوید به زبان صورت دیگر به آواز، دختری خرد باریک آواز و (باز) در یک حالت چنان سخن می‌آگوید که سئوال و جواب ایشان به اختلاف اصوات هر دواز وی توان شنید و در اثنای سئوال و جواب حال مودی به خصومت شد و بر یکدیگر زدند و باز به صلح مشغول شدند و این همه قول و فعل

مدرس شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۳۰۷

روبه تکامل نهاد و نمایشاتی به نام بقال بازی و کچلک بازی که جنبه انتقادی و تفریحی داشت، معروف شد.

زمینه های نمایش تقليیدی در دوره صفویه نیز وجود داشته است، چنانکه قهوه خانه ها که در این عهد پدید آمدند و در آنها برنامه های نمایشی و رقص و آواز و شاهنامه خوانی و برخی بازی ها اجرا می شد (فلسفی، بی تا، ص ۲۵۸).

جالب توجه است که دکتر پرویز ممنون به کتابی بنام «تاریخ و جغرافیای امروز ایران» به زبان آلمانی که در سال ۱۷۳۹ انتشار یافته، دست یافته است که در آن از قول دو سیاح به نام سالمون انگلیسی و وان گوک هلندی شرحی درباره یک نوع نمایش مذهبی در روز عزا آمده است که در واقع نشان یک تعزیه سیار است. متن گزارش چنین است:

«به طرز خاصی زندگی او (امام حسین (ع))، اعمال و جنگها و شهادتش، در روی عربه هایی که به شکل صحنه تئاتر تزیین یافته است، قسمت به قسمت، به نمایش در می آید. آنهم به ویژه در مراسم عزاداری پر شکوه و پر تماشاگر، از این گذشته عربه های زیادی دیده می شوند که در حرکتند و بر روی آنها افرادی با پرچم و آلات و ادوات جنگی در دست، قسمتی از اعمال حسین را به نمایش می گذارند.» (ممنون، بی تا، ص ۱۴).

در زمان قاجاریه گزارش های متعددی درباره چگونگی برگزاری مراسم تعزیه وجود دارد. سرهنگ «گاسپار دروویل» که در سالهای ۱۸۱۲ و ۱۸۱۳ از ایران دیدن کرده و در این باره چنین می نویسد:

«در آنروز یکی از درباریان که ایفای نقش حسین بن علی به او واگذار شده بود با سوارانی به تعداد همراهن حسین (ع) به هنگام عزیمت به کوفه به میدان می آید. ناگهان عبید بن زیاد در راس چندین هزار سوار سر می رسد. حیرت من وقتی فزونتر شد که دیدم پس از پایان نمایش

یک کس بود که در زیر آن چادر بازی می کرد» (سبزواری کاشفی، ۱۳۵۰، ص ۳۴۰).

تاریخ اجرای نخستین تعزیه و چگونگی آن هنوز مشخص نشده است. بنا به خبری تعزیه در زمان کریم خان زند برای اولین مرتبه به اجرا درآمد و درباره علت و انگیزه آن نوشته اند که در زمان او سفیری از فرنگ به ایران می آید و درباره تاترهای غم انگیز آنجا توصیفی برای کریم خان می کند و او نیز دستور می دهد که واقعه کربلا به صورت تعزیه برگزار شود (فلسفی، ۱۳۳۲، ص ۱۰). «حماسه سرایی و نقالی» هم از هنرهایی است که از زمان باستان در ایران سابقه داشته و حمامه های بسیاری از آن زمان تاکنون بر جای مانده است و نه تنها در ایران بلکه در بین سایر اقوام نیز به صور گوناگون رایج بوده است. این حمامه ها علاوه بر تحریک و تشویق جنگاوران و زورآزمایان در هنگام کار و نیز سرگرم ساختن مردم در وقت فراغت، کار حفظ و بازگو کردن تاریخ اساطیری را هم بر عهده داشتند. یکی از حمامه های قدیمی مذهب شیعه، خاوران نامه است که شامل شرح حال و داستانهایی از حضرت علی بن ابی طالب (ع) متعلق به مولانا محمد بن حسام الدین از شعرای قرن نهم متوفى با سال ۸۷۵ هجری است و یکی دیگر از این حمامه ها، منظومه ای است به نام صاحبقران نامه که درباره «حمزه بن عبدالملک» عم پیامبر اکرم (ص) ملقب به سید الشهدا است که در سال ۱۰۷۳ هجری به نظم در آمده است و سراینده آن معلوم نیست (صفا، ۲۳۵۶م)، ص ۳۷۷.

همچنین نمایشهایی نیز به صورت ابتدایی در میدان شهر اجرا می شد، چنانکه شاردن اشاره می کند: «تفریحات میدان عبارتست از نمایشات شعبدہ بازان و بندبازان و مسخرگان و لودگان و کشتی گیری و مصارعت و نبرد قوچها و گاونرها» (شاردن، ۱۳۴۵، ص ۴۰۸) که این نمایشات به خصوص نمایشهای تقليیدی در زمان زنده

میراث شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۳۰۹

میلاد است، سخن از گزیه و زاری است که ظاهرًا نشانه و اشاره‌ای از عزاداری برای «تموز» است یعنی خدای بهار و خرمی که هر پاییز از جهان رخت بر می‌بست. همچنین در کتاب «حذقیال نبی» به زنانی اشاره می‌شود که در دهانه خانه خداوند نشسته و برای تموز می‌گریستند (تورات، کتاب حذقیال نبی، باب ۸، فقره ۱۴).

واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) و یارانش انگیزه‌ای قوی برای عزاداران و ابراز علاقه شیعیان به رهروان حق و بیزاری از خلفای ستمگر اموی و عباسی و دیگر حکام ظالم است. شدت این علاقه تا آنجا بود که لقب «سید الشهداء» از «حمزه» عمومی پیامبر (ص) به «امام حسین» (ع) منتقل گشت و نه تنها به خاطر یادبود آن واقعه بلکه برای کسانی که به خاطر ادامه راه وی قیام نمودند، مراسم عزاداری برپا می‌کردند؛ چنانچه ابومسلم و مردم خراسانی برای یحیی بن یزید هفت روز عزاداری کردند و به خاطر بزرگداشت خاطره او پدرش در سال شهادتش هر چه پسر در خراسان به دنیا آمد، زید یا یحیی خوانده و نامگذاری می‌شد (مسعودی، ۲۵۳۶، ص ۲۱۶).

درباره تاریخ عزاداری و نمایش مذهبی در ایران تحقیقات چندی از سوی محققین انجام شده که مسایل و نکات بسیاری را معلوم نموده، اما با این وجود هنوز تا هنگامیکه بتوان خاستگاه و روند و عوامل انگیزاننده آن را به یقین نمایان ساخت، راه زیادی در پیش است. برخی از محققین پیشینه تاریخی آن را در ایران قدیم جستجو کرده و از سوگ سیاوش که بنا بر منابعی همچون «تاریخ بخارا» دارای سه هزار سال قدمت است، نام برده‌اند (مسکوب، ۱۳۵۰، ص ۸۸).

پس از این زمان، عزاداری و تعطیل فعالیتهای اجتماعی در ایام محرم برای نخستین مرتبه در زمان آل بویه پدید آمد، آل بویه در ابتدای زیدی بودند که به وسیله «ناصر اطروش زیدی» در سال ۳۰۱ مسلمان شده بودند و ظاهرًا علت اینکه

از چهار هزار تن سوار که بدون رعایت نظم و احتیاط بجان هم افتاده بودند، حتی یک تن نیز زخمی نشده است. مراسم تعزیه در میان قبائل و طوائف مختلف با تغییرات کم و بیش زیادی انجام می‌گیرد ولی در هر حال اساس آن یکی است» (دروویل، ۱۳۴۸، ص ۱۵۹).

«اوژن فلاندن» نیز که در سال ۱۸۴۰ به ایران می‌آید، از تعزیه‌هایی سخن می‌گوید که در زیر چادرهایی بزرگ که در معابر عمومی و یا حیاط مساجد یا درون قصور بزرگ برگزار می‌شد. این تعزیه‌ها در روی تختی که در وسط فضای مورد نظر قرار می‌گرفت، انجام می‌شد. ضمناً او از نقش فردی به عنوان فرنگی که در اثر توجه و اعتقاد به حقانیت مبارزین، شفاعت آنان را نزد خلیفه اموی می‌کند و لباسی فرنگی پوشیده بود، نام می‌برد (فلاندن، ۱۳۵۶، ص ۱۱۷). همراه با این مراسم درباره مراسmi در سالگرد قتل خلیفه دوم که جنبه نمایشی دارا بوده، توصیفات و خبرهایی نیز آمده است (ریچاردز، ۱۳۴۳، ص ۱۱۷) و (دالمانی، ۱۳۳۵، ص ۱۹۶).

پیشینه نمایش مذهبی در ایران

بسیاری از یافته‌های انسانی، به صورتی شهودی ادراک می‌شوند. این یافته‌ها که از ورای صورت ظاهری بدست می‌آیند، بیانی برتر از ماده را خواستارند. به همین سبب برای بیان بسیاری از یافته‌های انسانی، بیانی نمادین و رمزی لازم خواهد بود. هنگامی که ذهن مبادرت به کنکاش در یک نماد می‌کند به انگاره‌هایی فراسوی خرد دست می‌یابد، از آنجا که چیزهای بیشماری فراسوی حد ادراک انسان وجود دارد، پیوسته استفاده از عناصر رمزی و نمادین گریزنایدیر خواهد بود. طبعاً با توجه به اصول روانشناسی اجتماعی در مراحل مختلف تاریخ اقوام، موارد بیشماری حاکی از سوگ گروهی مردم و مراسم و آیینهای عزاداری و نمایشات تقليدی وجود دارد؛ چنانکه در حمامه گیلگمش که متعلق به هزاره سوم پیش از

بعدها به تشیع گراییدند و با وجود قدرت کافی از الغای خلافت عباسی خودداری کردند، این بود که می خواستند از زیدیان که در آن هنگام پیشوایان مدعی قدرت داشتند، برکنار و مستقل باشند تا بتوانند قدرت را در دست داشته باشند. بیرونی در این باره می گوید معزالدوله یکی از بزرگان علوی را خواست و به او پیشنهاد کرد که حکومت را به او واگذار کند و خلیفه عباسی را از قدرت ساقط سازد، اما او دلایل چندی آورد و از اینکار امتناع ورزید (مصطفی الشیبی، بی تا، ص ۴۲). «عزالدین

علی بن الاثیر» در این باره چنین می گوید: «بحدیکه من آگاه شدم که معزالدوله با یکی از یاران خود مشورت کرد که خلافت را از بنی عباس سلب و با معز الدین الله علوی یا دیگری بیعت کند، تمام یاران او این کار را تصویب کردند، جز یکی از خواص دوستان که به او گفت: این کار درست نیست زیرا امروز تو با یک خلیفه کار می کنی که خود و اتباع به او معتقد نمی باشید و اگر فرمان قتل او را بدھی فوراً او را می کشند زیرا خون او را روا می دانند و اگر یکی از علویان را خلیفه کنی تو و یاران تو معتقد به صحت خلافت او می شوید که اگر او فرمان قتل ترا بدھد آنها اطاعت می کنند. معزالدوله از آن تصمیم منصرف شد و این یکی از بزرگترین علل ابقاء نام خلافت برای عباسیان و زوال فرمان آنها بود با اینکه آنها دنیا دوست و طالب استبداد و اقتدار بودند» (ابن اثیر، بی تا، ص ۱۷۰).

اما به هر حال از آنجا که معزالدوله از عباسیان بیزار و در باطن خود علوی و علاقمند به ائمه اطهار بود، در ماه محرم سال ۳۵۲ دستور داد که مردم مغازه ها را تعطیل کنند و لباس سیاه برای عزا بپوشند و زنان نیز موی را پریشان کنند و دور شهر بگردند و بر سر و سینه خود بزنند و در سوگ امام حسین (ع) گریه و زاری کنند (ابن اثیر، بی تا، ص ۲۶۱).

پس از او، عضد الدوله دیلمی پس از مدتی اقام

در بغداد، به نجف اشرف می رود و بنای باشکوهی برای مقبره حضرت علی (ع) بنا می کند و گویند که او برای نخستین مرتبه در آنجا خیمه زد و در زیر آن مجلس عزاداری برپا کرد (مشکوه کرمانی، ۱۳۵۸، ص ۸۷۲).

پس از فوت عضد الدوله بر طبق وصیتش جسد او را به نجف منتقل و دفن نمودند و از این زمان به بعد انتقال و دفن کالبد مردگان به مراکز مهم مذهبی بتدریج رایج می شود و بزرگان و آنها یی که مکنت مالی داشتند به اینکار اقدام می نمایند (مظاہری، ۱۳۴۸، ص ۷۰). دولتها پس از آل بویه طرفدار مذاهب اهل سنت بودند و برخی از آنها حتی در عقیده خود تعصب می ورزیدند و به دیگر فرق و مذاهب آزادی انجام مراسم و آداب خویش را نمی دادند. بنابراین از آن هنگام تا دوره صفویه گزارش و خبری معروف که حاکی از برگزاری مراسم عزاداری باشد، دیده نمی شود. البته در دوران حکومت حکمرانان مغول گاه و بیگانه به علل مختلف قدرت و نفوذ شیعیان به آنجا می رسد که می توانستند از عقاید خویش دفاع و حتی آن را تبلیغ نمایند.

این وضع ادامه داشت تا آنکه در زمان سلطان حسین باقیرا تحولی مهم در تاریخ تشیع روی داد و آن نوشتن کتاب روضه الشهدا فی مقاتل اهل البیت به وسیله «کمال الدین حسین بن علی کاشفی واعظ» بود. او در بیهق سبزوار متولد و در همانجا درس خواند تا توانست مدارج عالیه را طی کند و در زمینه ادب و شعر و نجوم و تصوف اطلاعات جامعی کسب نماید. او به خاطر صدای رسا و لحن غم انگیزی که داشت در کار وعظ شهرتی به هم رساند و در پی آن سبزوار را ترک گفت و به نیشابور و سپس به پایتخت تیموریان یعنی هرات رفت. در آنجا به وسیله جامی وارد فرقه نقشبندیه شد و با خواهر او ازدواج کرد. شهرت و تبحر او در تدریس و وعظ چنان شد که همه اوقات خود را در دارالسیاده سلطانی و

می کردند رو به توسعه رفت تا اینکه در مرحله ای، بیان بخشی از مصائب و حوادث را خود شبیه ها به عهده می گرفتند. سپس طرفین جدال به صورت مکالمه با هم سخن می گفتند و همراه آن اشیایی به عنوان سمبول صحنه حادثه به نمایش گذاشته می شد، چنانکه یک درخت کوچک و یا مقداری شاخ و برگ نشانه نخلستان و مقداری آب نشانه رود آب می بود. این تطورات و تحولات ادامه یافت تا منجر به پیدایش تعزیه گردید. در ادامه به بررسی چند سفرنامه در این رابطه پرداخته می شود.

۱- «سفرنامه انگلبرت کمپفر»: در سال ۱۶۸۴ نیز یک سیاح آلمانی به نام کمپفر از مراسم عزاداری گزارش می دهد، او به خوانده شدن روزانه یکی از فصول ده گانه کتاب روضه الشهدا در دهه محرم و سینه زنی و نوحه خوانی در حلقه های دایره ای شکل و شبیه خون آلودی که در تابوت آه می کشید و همچنین به قمه زنی اشاره می کند (کمپفر، ۱۳۶۰، ص ۱۸۱).

۲- «سفرنامه اولیا چلبی»: اولیا چلبی از سیاحان عثمانی است که در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در زمان شاه صفی به ایران آمد. او مشاهدات خود را بسیار دقیق یادداشت کرده است که بخشی از سفرنامه او را آقای حاج حسین نجفی ترجمه و تلخیص کرده است. او که در تبریز در ماه محرم شاهد مراسم عزاداری بود، اشاره می کند که اعیان و اشراف و اهالی در میدان شهر خیمه برپا می کنند و در آنجا سه شبانه روز به عزاداری می پردازند و در دیگهای بزرگ غذا می پزند و به فقرا و دیگر عزاداران می دهنند و خان تبریز در چادر منقش خود می نشینند و جمع اعیان و اشراف تبریز در این مجلس در حضور خان بوده و کتاب مقتل امام حسین (ع) را می خوانند؛ جمله محبان حسینی با کمال خصوص و خشوع نشسته و گوش فرا می دارند، خواننده کتاب وقتیکه به این مطلب رسید که شمر لعین حضرت امام حسین مظلوم (ع) را

مسجد امیر علیشیر و در مدرسه سلطانی و مزار خواجه ابوالولید احمد و دیگر جایها صرف اینکار بود. این کتاب مورد استقبال شیعیان در ایران قرار گرفت و واعظان آن را در مجالس وعظ می خوانند و شهرت واقبال کتاب چندان شد که کسانی که آن را می خوانند به نام روضه خوان معروف گردیدند و از آن تاریخ تا امروز به هر کس که اشعاری در ذکر اهل بیت به ویژه امام حسین (ع) بخواند، او را «روضه خوان» می نامند. در ادامه تنها به مراسم آیینی مربوط به امام حسین (ع) و چگونگی شکل گیری عزاداری و نمایش مذهبی (تعزیه) در ایران بعد اسلام پرداخته می شود.

عزاداری در دوره صفویه

در فضای تکیه و حسینیه غالباً به همت اهالی هر محل مراسم مذهبی برگزار می شد. همچنین تعزیه خوانی، شبیه خوانی، پرده خوانی، سینه زنی و مراسم شترکشون در عید قربان در این فضاهای رایج بوده است؛ اما جلوه این فضاهای در ایام محرم و سوگواری امام حسین (ع) کم نظر نمی بوده است (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸). در «دوره صفویه» سیاحان بسیاری از ایران دیدن می کنند و سفرنامه هایی می نویسند که از مهمترین منابع تاریخ و فرهنگ این عصر محسوب می شود. در گزارش آنها به ماه محرم و عزاداری و روضه خوانی و نوحه سرایی و دسته سینه زنی، اشاره شده اما در هیچ کدام از مراسم تعزیه و نمایش به صورت مشخص سخنی یافت نمی شود. اما نکته جالب آنست که بر اساس مطالب این سفرنامه ها سخن از همراه بودن شبیه چند تن از شهدای کربلا همراه با دسته های عزاداری می شود و یا اینکه اشاره می شود مردمی بالبسهای خون آلود در تابوتی به نمایش گذارده می شود که سمبول یکی از شهدای کربلا می بود. این اشارات حکایت از آن دارد که در آغاز تنها چند شبیه همراه با دسته های عزاداری یا در مجالسی که روضه خواننده می شد، ظاهر می شدند و بتدریج تعداد اینان و نقشی که ایفا

چنین شهید کرد، همان ساعت از سرای پرده شبیه شهدای روز عاشورا و شبیه اجساد کشتگان اولاد امام حسین (ع) را به میدان می آورند (چلبی، بی تا، بنقل از سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۶۶).

۳- «سفرنامه تاورنیه»: تاورنیه یکی دیگر از کسانی است که در همین دوره در سال ۱۶۶۷ و در زمان شاه صفی دوم ملقب به شاه سلیمان شاهد مراسم عزاداری در ماه محرم در کنار مقامات سلطنتی و دولتی بوده است (تاورنیه، ۱۳۳۶، ص ۴۱۳). او توضیح می دهد که دوازده دسته سینه زنی از محلات مختلف شهر به میدان می آیند و کار ترتیب و نظم دادن به محل آنها به بیگلر بیگی منصوب شاه سلیمان بود. هر دسته یک عماری که هشت تا ده نفر آنها را حمل می کردند، داشت و در هر یک از آنها تابوتی گذاشته شده بود که دور آنرا با پارچه زری پوشانده بودند. هر دسته ای چند مرتبه دور میدان در حال سینه زنی و نوحه خوانی می گشت و سپس نوبت دسته دیگر فرا می رسید. او اشاره می کند که در بعضی از عماریها طفلی شبیه نعش خوابیده بود، سپس اظهار می دارد که پنج فیل که روپوشی از زری داشتند با فیلبانان سوار بر آنها به میدان آمدند و ظاهراً تعظیم و کرنشی کردند و سپس مراسم با عظمی که حدود نیم ساعت به طول کشید، پایان یافت.

۴- «سفرنامه پیتر دولالوله»: پیتر دولالوله در سال ۱۶۱۸ میلادی شاهد مراسم عزاداری بوده است، او پس از توضیح در باره وعظ و عاظ مراسم سینه زنی حوادث روز دهم ماه محرم را چنین بیان می کند:

«پس از اینکه روز دهم ماه محرم یعنی روز قتل فرا رسید... از تمام اطراف و محلات اصفهان... دسته های بزرگی به راه می افتد که به همان نحو بیرق و علم با خود حمل می کنند و بر روی اسبهای آنان سلاح های مختلف و عمامه های متعدد قرار دارد و به علاوه چندین شتر نیز همراه دسته ها هستند که بر روی آنها جعبه هایی

حمل می شود که درون هر یک سه چهار بچه به علامت بچه های اسیر امام حسین (ع) شهید قرار دارند. علاوه بر آن، دسته ها هر یک به حمل تابوت هایی می پردازند که دور تا دور آنها محمل سیاه رنگی پیچیده شده است.» (دلalloh، ۱۳۴۸، ص ۱۲۵).

عزاداری در دوره قاجاریه

در دوره قاجاریه به عزاداری در ماههای محرم و صفر توجه بسیاری می شود، به خصوص که دستگاه حکومتی نیز در اینکار شرکت می جست و علاوه بر مردم عادی و معتقد که همواره اعتقاد و تمایلات باطنی خود به این امور می پرداختند، اعیان و اشراف هم برای چشم و همچشمی و گاه برای اینکه ثوابی هم برده باشند، مجالس باشکوهی برای روضه خوانی و عزاداری برپا می کردند و نهار و شام می دادند. روضه خوانی در دهه محرم از رونق زیادی برخوردار بود و از صبح تا شام برقرار بود. در زمینه روضه خوانی ابتکاراتی نیز بکار می رفت، چنانکه حاجی حسن شیرازی روش خاصی اتخاذ کرده بود به این ترتیب که ده پانزده نفر از پسر و نوه و نبیره های خود را همراه با یک بزرگتر که کار ناظمی داشت را زودتر به مجلس روضه خوانی می فرستاد و آنها اطراف منبر مستقر می شدند و هنگامی که او به مجلس می رسید آنها با هم شروع به نوحه خوانی می کردند و زمینه را برای او آماده می ساختند و مجلس را شور و هیجان می بخشیدند و اینکار مدتی ادامه داشت تا او بالای منبر می رفت. از ویژگیهای مهم این عصر پیشرفت و اقبال تعزیه می باشد و از آنجا که ناصر الدین شاه در سفرهای خود به اروپا از تماشاخانه های آنجا بسیار دیدن می کرد و به برنامه های نمایشی علاقه زیاد داشت، در ایران نیز به اینکار توجه بسیار کرد. مستوفی در وصف این موضوع چنین می گوید: «ناصر الدین شاه که از همه چیز وسیله تفریح می تراشید، در این کار هم سعی فراوانی بخراج داد و شبیه خوانی را وسیله

عزاداری، مفاهیم ارزشی: ارزش امامت حسین (ع) و خاندان پیامبر (ص) و ویژگیهای کالبدی: خصوصیات کالبدی تکیه‌ها و حسینیه‌ها» می

شود.

فضاهای مذهبی دارای انواع و نمونه‌های گستره‌ای هستند، لیکن تنها به دسته‌ای از فضاهای معماری مذهبی که از آنها تحت نام «حسینیه، تکیه و یا خانقه» یاد می‌شود، اشاره می‌گردد. در این رابطه باید گفت که بخشی جدایی ناپذیر از کالبد فیزیکی اغلب شهرها و روستاهای کشور ما، فضاهای و یا بنای‌هایی به نام میدان، تکیه و حسینیه است که مراسم مذهبی و خصوصاً مراسم عزاداری ماه محرم مانند تعزیه، نوحه خوانی، روضه خوانی، سینه زنی و وعظ و خطابه و در برخی موارد مجالس ختم و سالگرد و همچنین شترکشون عید قربان در آنجا برگزار می‌شود (قبادیان، ۱۳۸۲).

در ۲۵۸. در شهرهای قدیمی ایران تکیه، میدان و حسینیه فضاهای محصوری بوده‌اند که در مسیر گذرهای اصلی شهر قرار داشته‌اند. این فضاهای

اغلب به صورت فضای عمومی، یعنی جزیی مهم از گذر اصلی یا به صورت فضای بسته، اما در ارتباط با گذر اصلی وجود داشته‌اند. در حلی که

در اعیاد اسلامی و ایام سوگواری، خصوصاً محرم، مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۷). در ادامه به تعاریف برخی فضاهای مذهبی در رابطه با تعزیه و آیین‌های عزاداری

حسینی اشاره می‌شود.

خانقه و مراسم آیینی

در طی قرون بعد اصول تصوف در ابعاد نظری و عملی بتدریج تدوین گشت و فرق گوناگونی پدید آمد و صوفیان برای رسیدن به مرحله لقاء الله، برای خود راه حل‌هایی جستجو می‌کردند. تفاوت آنان با زاهدان در این بود که زاهدان به خاطر رفتنه بیشتر و دوری از گناهان و دوزخ، ترک امور دنیوی می‌کردند اما صوفیان هدفشان اتصال به خداوند بود. صوفیان برای رسیدن به هدف خویش

اظهار تجمل و نمایش شکوه و جلال سلطنتش کرد و آن را به مقام صنعت رساند.» (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۷۳).

اهمیت و عمومیت تعزیه در اواخر دوره قاجاریه به آنچا می‌رسد که به جرات می‌توان گفت همه محلات تهران دارای تکیه‌های خاص خود بودند. در نقشه‌ای که در سال ۱۲۷۵ ه.ق از تهران تهیه شده، سی و دو تکیه مشاهده می‌شود نام آنها چنین است: «تکیه رضاقلی خان، درب مدرسه، ابوالقاسم شیرازی، مسجد حوض، سرپولک، زرگرهای ملاقدیر، افسارهای، علیخان، عباسعلی، پهلوان شریف، عودلاجان، سهراخان، چهل تن، عربهای، حیاط شاهی، نوروز خان، سهراخان، چهل تن، عربهای، قاطرچی، خشتی، زنبورک، خدا آفرین، منوچهرخان، خلجهای، افسارهای میران، درخونگاه، کرمانیهای، قمیهای، دباغ خانه و حاج رجبعلی.»

در استبداد، رفتار پادشاه برای رجال سرمشق است. شاهزاده و رجال هم به شاه تاسی می‌کردند و آنها هم تعزیه خوانی راه می‌انداختند، کم کم تکیه‌های سر محل که سابقاً تعزیه‌های عامیانه قدیمی خود را می‌خواندند، از حیث نسخه و تجمل به بزرگان تاسی جسته و هر یک به فراخور توانایی اهل محل بیش و کم تجمل و شکوه را در این عزاداری وارد کردند... همینکه اعیانیت در تعزیه وارد شد، نسخه‌های تعزیه اصلاح شده و پاره‌ای چیزها که هیچ مربوط به عزاداری نبود مانند تعزیه دره الصدف و تعزیه امیر تیمور و تعزیه حضرت یوسف و عروسی دختر قریش نیز در آن وارد گردید (مستوفی، ۱۳۴۱، ص ۲۸۸).

پیشینه فضاهای مذهبی در ایران

علی مدنی پور (۱۳۷۹، ص ۳۲) مکان را بخشی از فضا و دارای بار «ارزشی و معنایی» می‌داند و افسار نادری (۱۳۷۸، ص ۴) آن را نتیجه برهمکنش سه مولفه «رفتار انسانی، مفاهیم ارزشی و ویژگیهای فیزیکی»، تصور می‌کند که در رابطه با عاشورا به ترتیب عبارت از: «رفتار انسانی: سوگواری و مراسم

بخشی از خلوت محسوب می شود و حفظ خلوت به صورت دیگر باید در طول عمر مداومت داشته باشد. کاشانی برای خلوت هفت شرط قائل شده که عبارت از، دوام وضع، دوام صوم، قلت طعام، قلت منام، قلت کلام، نفی خواطر و دوام عمل می باشد.

۲. «مسافران»: آنانی که به شهری وارد می شوند؛ یا خود صوفی هستند که در بسیاری از خانقه‌ها جایی برای اینگونه مسافران در نظر گرفته می شود. اگر مسافر صوفی باشد، باید برای ورود به خانقه و اقامت در آن اصولی را رعایت کند، منجمله در روز و تا هنگام عصر به خانقه وارد شود و اگر در شب به شهری رسید، باید شب را در مسجد یا جایی اقامت و صبح روز بعد به خانقه برود و در آنجا نیز آداب معمول را رعایت کند.

قدسی صاحب کتاب «حسن التقاسیم» که در قرن چهارم هجری از مناطق وسیعی منجمله ایران دیدن کرده، خانقه‌های بسیاری را مشاهده کرده و به ملاقات عده یی از متصوفه در شیراز اشاره می کند. همچنین هجویری در قرن پنجم هجری می گوید تنها در خراسان سیصد تن از بزرگان تصوف که هر یک مشربی داشتند، می زیستند (صفا، ۲۳۵۶، ص ۳۵). ابن بطوطه نیز در

نصر از خانقه‌هایی چنین یاد می کند: «هر خانقه، مخصوص گروهی از دراویش است و بیشتر دراویش از عجم می باشند که مردمی اهل ادب و در مسلک تصوف صاحب اطلاع هستند. هریک از خانقه‌ها شیخی دارد و نگهبانی، و ترتیب کارهایشان عجیب است. این دراویش مجرد هستند و برای دریشان متاهل خانقه‌های جدگانه است. دراویش مکلفند که در نمازهای پنجگانه حاضر شوند و شب را در خانقه بیتوه کنند و اجتماعات آنان زیر قله‌ای در داخل خانقه منعقد می شود» (ابن بطوطه، ۱۳۵۹، ص ۳۰).

صفویان نیز از صوفیانی بودند که بتدریج در طی چند سال قدرت و مکنتی کسب کردند و سپس

باید مراحلی را طی نمایند و سالکان طریق پس از طی و عبور از «مقاماتی» به «حوالی» که ناشی از آن مقامات است، برسند. در تعریف مقام و حال بین عرف اتفاق وجود دارد و حتی گاه مرحله‌ای را که یکی مقام دانسته، دیگری آن را حال پنداشته است. مقام از ثبوت برخوردار است و حال دچار تحول و دگرگونی است. طوسی مقامات را چنین دانسته، توبه، ورع، زهد، فقر، صبر، توکل و رضا، و احوال را شامل مراقبت، قرب، محبت، خوف، رجاء، شوق، انس، طمنانیه، مشاهده و یقین دانسته است.

برای لفظ خانقه دو معنی بیان شده، نخست آنکه آن را عربی شده «خانه گاه» و دوم آن را اصل «خوان گاه» به معنی محل سفره و سفره خانه و جایی که از غریبان و مسافران پذیرایی می شود، دانسته‌اند. به هرروی خانقه محل اقامت، تزکیه، تعلیم و خلوت صوفیان و دراویش است. صوف به معنی پشم و جامه پشمی است و از آنجا که عرفای زاهد، پشمینه به تن می کردند، به صوفی ملقب گشتند. این کلمه برای نخستین مرتبه به «ابوهاشم کوفی» (متوفی به سال ۱۵۰ ق) اطلاق شده که جامی در نفحات الانس، درباره او چنین می گوید: «پیش از وی بزرگان بوده اند در زهد و ورع و معاملت نیکو در طریق توکل و طریق محبت، لیکن اول کسی که وی را صوفی خوانند وی بود» (نیکلسون، ۱۳۵۷، ص ۴۴). محمود بن علی کاشانی اهل خانقه را به دو طایفه تقسیم می کند (کاشانی، بی تا، ص ۱۵۵):

۱. «مقیمان»: مقیمان به سه طایفه‌اند؛ اهل خدمت، اهل صحبت و اهل خلوت. اهل خدمت مبتدیانی هستند که در آغاز راه قرار دارند و باید تحت تزکیه و تعلیم خود را برای شایستگی صحبت و مصاحبت با بزرگان آماده سازند و پس از طی آن برای خلوت آماده گردند. خلوت مرحله‌ای است که صوفی خود را از خلق جدا می کند تا بتواند اشتغال به حق یابد و چله نشینی یعنی چهل روز مراقبت از نفس و مجاهده در راه قرب به حق، تنها

زندیه و اویل قاجار، این نام برای محله‌ایی که در آن مراسم تعزیه برگزار می‌گردید، بکار رفت و به ویژه در تهران کلیه محله‌ایی که در روی نقشه تهران در سال ۱۲۷۵ هـ با نام تکیه مشخص شده‌اند، در آنها تعزیه به نمایش در می‌آمده است. برای تکیه دو تعریف لغوی شده است، یکی آنکه آن را کلمه‌ای عربی دانسته و به معنی محل یا موضعی که به آن پشت داده می‌شود و در اصطلاح به معنی خانقه و محل برگزاری تعزیه می‌دانند. تعریف دیگر که از استاد محمد کریم پیرنیا است به معنی بنای بلند است (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۲).

سیر تبدیل تکیه (خانقه) به حسینیه
در دایره المعارف فارسی به سپرسنی دکتر غلامحسین مصاحب ذیل واژه حسینیه به واژه تکیه ارجاع شده است. یعنی از نظر ایشان، حسینیه همان تکیای قدیمی بودند که بدون تغییر نام مراسم سوگواری امام حسین (ع) را کما فی السابق بر عهده گرفتند. همچنین در ذیل واژه «تکیه» آمده است:

۱- « محلی که در آن شرح مصائب حضرت امام حسین (ع) بصورت تعزیه یا روضه بیان شود. عبارت از فضای مخصوصی است که در وسط آن سکویی گرد یا چهار گوش ساخته شده که کار صحنه نمایش را می‌کند و در اطرافش غرفه‌ها و طاقمه‌ایی است که رجال کشور برای تماشای تعزیه از آنها استفاده می‌کنند. بزرگترین و مجلل ترین تکیه در ایران، تکیه دولت بود که به امر ناصرالدین شاه قاجار بناسد و در سال ۱۳۳۰ برای ساختن بنای جدیدی تخریب شد. به احتمال نزدیک به یقین پیدایش صحنه گرد در اروپا نتیجه مشاهده تکیه و تعزیه توسط اروپاییان در اواخر قرن ۱۹ بوده است.»

۲- تکیه را «حسینیه» نیز می‌نامند.

۳- لفظ تکیه گاه به «خانقه» دراویش هم اطلاق می‌شده است (صاحب، ۱۳۸۰، ص ۶۶۱).

موفق به تشکیل حکومتی گردیدند اما همینکه به قدرت رسیدند بتدريج بنای مخالفت با صوفیان را گذاشتند و خانقه‌های بیشماری را خراب کردند و کار را بر آنان سخت گرفتند و ضربه مهلكی بر این جریان وارد ساختند (صدقی، ۱۳۵۴، ص ۲۵۳). با این وجود در همین عهد، سیاحان از تکیایی بسیاری که محل درویشان بود یاد می‌کنند، منجمله کمپفر و در دوره بعد دروویل و هانری رنه از نمایشات و بازی‌ها و کارهای خارق العاده دراویش یاد می‌کنند.

فضاهای خانقه عموماً شامل این بخشها می‌باشد: «نخست تالار بزرگی که برای تجمع در موقع ذکر یا سمع و یا صرف طعام به نام جماعت خانه و اطاقهای متعددی برای اقاما سالکان و خادمان و نیز حجره‌هایی برای پیر که در هر خانقه تنها یک نفر چنین سمتی دارا می‌باشد و حجرات و زوایا و حتی فضاهای بسیار کوچکی به صورت حفره که تنها برای یک نفر به سختی گنجایش دارند، برای خلوت و چله نشینی و همچنین مطبخ و اطاقهایی برای مسافران» (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۰).

تکیه و مراسم آیینی

قدیمی ترین مدرک مكتوب در مورد ساختمان دائمی جهت مراسم سوگواری امام حسین و آنچه به تکیه شهرت دارد، مربوط است به کتبه‌ای بنا به نوشته هانری ماسه، تاریخ ۱۲۰۲ قمری را دارد و در منزلگاهی در استرآباد موجود است. او این منزلگاه را خانقه (تکیه) نامیده و لازم به ذکر است خانقه‌ها که آنها نیز نوعی تکیه بشمار می‌رفتند، از زمانهای دور در ایران معمول بود و معمولاً صوفیان و دراویش آنچا گردhem می‌آمدند (مجیدی خامنه، ۱۳۸۰، ص ۱۷). بهر حال گذشته از تعریف لغوی تکیه، از نظر عملکردی می‌توان در اصطلاح از دو تکیه نام برد که دومی لفظاً ماخوذ از اولی است. نخست در اصطلاح به خانقه دراویش تکیه گفته می‌شد، سپس در اواخر دوره

خاطر انجام مراسم عزاداری موسوم به حسینیه شده بودند و بعد در دوره بعد که بتدریج تعزیه و نمایش مذهبی پدید می آید. منطقاً هیچ لزومی ندیدند که نام این مراکز را عوض کنند. در نتیجه در مراکز مزبور تعزیه نیز به نمایش گذاشته می شد. اما در دوره قاجار اگر فضایی را برای تعزیه می ساختند یا برای نخستین مرتبه در نظر می گرفتند، آن را تکیه می نامیدند. شایان ذکر است که در تهران قدیم فضاهای شهری و محله ای در مسیر گذرهای اصلی به تکیه مشهور شده اند، مانند تکیه رضا قلیخان در محله عودلان یا تکیه زببور کخانه در مسیر گذرهای اصلی ارامنه در محله بازار. در کاشان نیز بیشتر فضاهای شهری و محله ای در مسیر گذرهای اصلی به میدان یا تکیه شهرت داشته اند، مانند تکیه گذر حاجی محله، میدان یا تکیه ولی سلطان، تکیه طاهر منصور، تکیه سرپره و غیره، اما در یزد چنین فضاهایی در مقیاس محلات بیشتر به حسینیه معروف شده اند، مانند حسینیه شاه ابوالقاسم، حسینیه کوشک نو، حسینیه مالمیر و غیره (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

اکثر تکایای ایران به صورت مرکز محله بودند و همواره در طول سال مورد استفاده واقع می شوند، تکایای معددودی نیز بویژه در شهرستانهای کوچک و برخی از روستاهای طی فصول عملکردی تقریباً نداشتند و تنها در هنگام عزاداری و دیگر مراسم جمعی رفت و روب می شدند. علاوه بر این نکته، تکایای ایران دارای صحنه ای گرد هستند که در نوع خود از این حیث در جهان بی نظیر است، به عکس تئاترهای یونانی که صحنه نمایش در انها به صورت نیمداپر و در قرون بعد اصطلاحاً قاب عکسی است و تنها در نیم قرن اخیر در اروپا صحنه گرد بکار می رود. به همین جهت برخی

در تعریف حسینیه در لغت نامه چنین آمده است: «خانه ای که مخصوص اقامه عزای حسین بن علی بن ابیطالب باشد. مسافرخانه هایی که در شهرها مخصوص زائران حسین سازند و جنبه انتفاہی ندارد» (معین و شهیدی، ۱۳۷۷، ص ۹۰۷۷). در فرهنگ فارسی معین نیز چنین آمده است: «تکیه ای که در آنجا مرثیه حسین بن علی را می خوانند و عزاداری کنند» (معین، ۱۳۷۸، ص ۱۳۵۷).

در اینجا لازم است اشاره شود که «حسینیه» به محله ای اطلاق می شده که تنها برای روضه خوانی و احتمالاً سینه زنی مورد استفاده قرار می گرفت و اکثرأ به صورت منازل مسکونی بودند که تنها در هنگام عزاداری برای اینکار امداد می گشتند. در مورد وجه تمایز تکیه و حسینیه و عملکرد خاص هریک از این دو عنصر در شهر و محلات به دقیق نمی توان اظهار نظر کرد؛ زیرا در شهرهای ایران وضع متفاوت وجود داشته است. در سمننان دو فضای عمده شهری که در مسیر گذر بازار واقع شده اند و در روزهای سوگواری ایام محرم دستجات عزادار از دو محله هموزن شهر در آنها گرد می آیند، به تکیه شهرت دارند. در یزد دو میدان که فضاهای عمده شهر بوده اند، تکیه نام گرفته اند. حال آنکه در تفت و زواره میدانهای شهر که فضای اصلی شهر بوده اند، به حسینیه معروف شده اند (توسلی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۸).

در تهران قدیم نام هیچ مرکز محله ای بر عکس برخی شهرهای جنوبی مثل اصفهان، کاشان و یزد، حسینیه نبوده است. البته در شهرهای نام برده به حسینیه های بسیاری که به صورت مرکز محله بوده اند برخورد می شود که در آنها تعزیه هم انجام می شده است. تبیین این موضوع چنین است که این مراکز در زمان صفویه به

۱. مطالب این بخش از رساله دکتری خالی نوشین کریمی استخراج شده است که از راهنمایی دکتر فرج حبیب بهره برده است. (*) مراسم عزاداری ابا عبدالحسین که از مهمترین آیین های مذهبی است در قالب مقاله ای جداگانه تحت عنوان رویکردی تحلیلی به تعامل بین آیین های جمعی و ساختار کالبدی شهرهای سنتی ایرانی در نشریه هنرهای زیبا در شماره ۳۹ سال ۱۳۸۸ ارائه گردیده است.

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

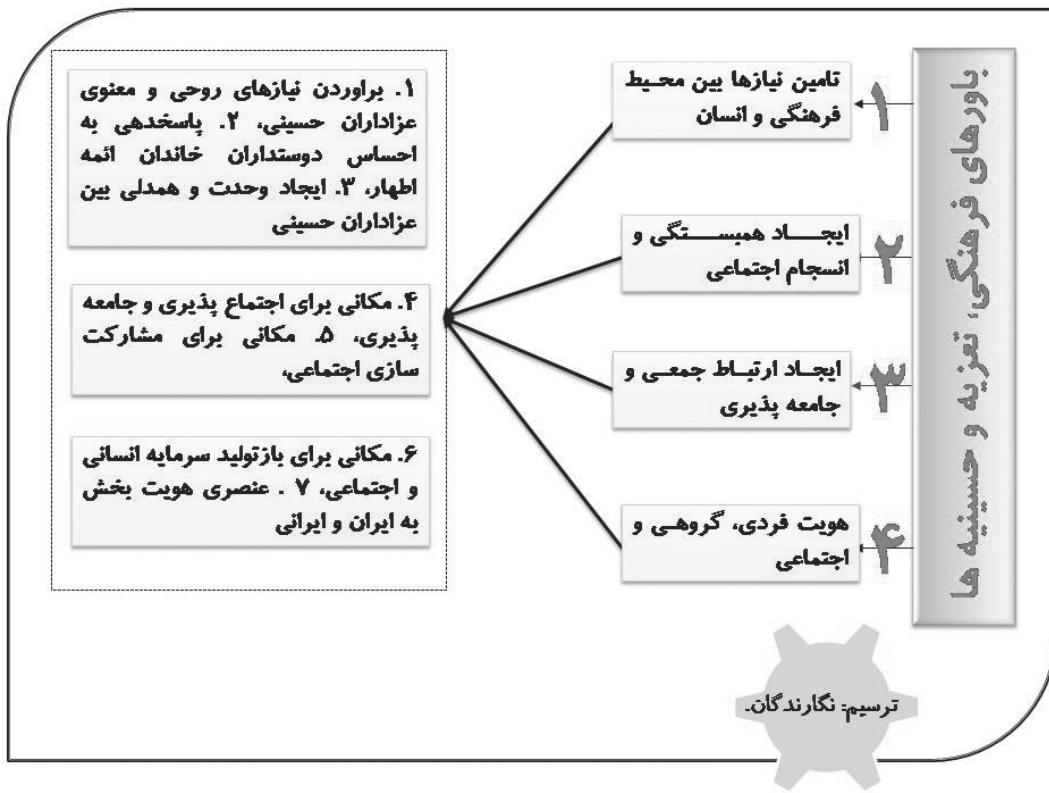
۳۱۷

قابل ۱. تأثیر عزاداری ابا عبدالحسین بن جسم و جان شهود مأخذ: حبیب و دیگران، ۱۳۹۲.

تأثیر آینین بر جسم و کالبد شهر		تأثیر آینین بر روحیه و جان شهر		تأثیر آینین بر عزاداری ابا عبدالحسین بن جسم و جان شهود	
		فردي		آموزه های معنوی	
عناصر متحرک	عناصر نیمه ثابت	عناصر ثابت	عنصر ثابت	آیه ۶۰ سوره حسین	آیه ۶۱ سوره حسین
و وجود تکیا و حسینیه های حرم	- وجود تکیا و حسینیه های عزاداری موقت	- هشدار و عبرت	- ایستادگی در مقلوب ظالم و عدالت خواهی	از زادگی نذکر دهی	از زادگی نذکر دهی
حرکت مردم با علم و پرچم در زیارت	- پرچم هایی در سطح شهر	- تقدیر	- ایستادگی در متن	صبر و استقامت	صبر و استقامت
- پیش نزورات	- تکیا، مساجد، حسینیه	- تقدیر	- ایشان	گذشتگی	گذشتگی
پیش نزورات	موقعی جهت	پیش نزورات	آیه ۶۲ سوره حسین	*	*
			آیه ۶۳ سوره حسین	*	*
			آیه ۶۴ سوره حسین	*	*

قاب ۲. تأثیر تعزیه خوانی بر جسم و جان شهر؛ حبیب و دیگران، ۱۳۹۲.

تأثیر آیین بر جسم و کالبد شهر		تأثیر آیین بر روحیه و جان شهر		فردي		جمعی		آموزه های معنوی		آموزه های معنوی		آموزه های معنوی	
عناصر متحرک	عناصر ثابت	عناصر نیمه ثابت	عناصر ثابت	عنصر ثابت	عنصر نیمه ثابت	عناصر متحرک	عناصر ثابت	- وجود تکایا و حسینیه های عزاداری موقت	عدالت خواهی هشدار و عبرت	ایثار و از خود مقابله ظلم و ستم	اصبر و استقامت	ذنکر دهی	*
حرکت	دسته های تماشی با پرچم ها و وسایل و گذر از منزل به منزل دیگر	- تکایا مساجد، حسینیه	-	*- تکایا مساجد، حسینیه	*- تکایا مساجد، حسینیه	دسته های تماشی با پرچم ها و وسایل و گذر از منزل به منزل دیگر	---	---	---	---	---	*	
													*



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۳۱۹

نمودار ۴. پایایی حسینیه ها، تعزیه و فرهنگ جمعی؛ مأخذ: ترسیم: نگارندگان.

باشد، لیکن هر دو حمامه بر اصلی بنیادین نهاده شده است. خونی که بی گناه به زمین ریخته شده تا ابد خون خواهی می کند (بلوکباشی، ۱۳۸۰، ص ۷۴). و (نک: یار شاطر، ۱۳۶۷، ۱۳۲-۱۳۸) و (نک: آل احمد، ۱۳۴۴، ۷۱۲-۷۱۳) و (نک: مسکوب (الف)، ۱۳۵۷، ۸۲) و (نک: مسکوب (ب)، ۱۳۵۱، ۱۱) و (نک: عنایت، ۱۳۶۲، ۳۰۹) و (نک: فرامکین، ۱۳۷۲، ۱۲۴-۱۲۲).

مراسم تعزیه خوانی: تعزیه نمایشی تمثیلی است که در آن وقایع کربلا را نشان داده و مصائبی را که امام حسین و یاران و اهل بیت اشان متحمل گردیده اند به نمایش در می آورد (نک: ستایشگر، ۱۳۸۱، ۲۴۴-۲۲۶) و طی مراسمی خاص برخی از داستان های مربوط به واقعه کربلا را پیش چشم بینندگان باز آفرینی می کنند. در واقع ماهیت این مراسم گرامی داشتن یاد عزیزان از دست رفته است که با به نمایش درآوردن شهادت

بر این عقیده اند که صحنه گرد در اروپا با توجه به سیاحت‌نامه های اروپاییان از تعزیه ایران اقتباس شده است (سلطانزاده، ۱۳۶۲، ص ۱۸۳).

«مراسم عزاداری ابا عبدالحسین»^۱: با سیطره و گسترش اسلام در ایران و پذیرش مذهب تشیع توسط ایرانیان، دگرگونی عظیمی در عقاید و باورهای مردم پدید آمد. رفتارها و باورهایی را که مغایر با باورهای مذهبی بود کنار گذاشته و آنها را که مغایرتی با باورهای مذهبی مردم نداشتند در پیوند با باورهای دینی به حیات خود ادامه دادند. آیین سوگواری در مرگ سیاوش چون ریشه در ژرفای فرهنگ ایران داشت، زمینه ساز فرهنگ آیین های سوگواری شهیدان دین و برخی از آداب و رسوم در عزاداری های عاشورا شد. هر چند ساخت دو واقعه مرگ سیاوش و شهادت امام حسین با یکدیگر فرق دارند و هر یک از این دو حمامه واجد ویژگی ها و پیام های خاص خود می

بیان یافته های تحقیق

پایایی، فرهنگ جمعی و حسینیه

حسینیه ها و تکایا به مثابه فرهنگ و عنصری فرهنگ ساز و هویت پرداز بشمار می روند. بر این اساس، شایان ذکر است که مبانی هویت ملی و شیعی، همبستگی اجتماعی و اجتماع پذیری شهروندی در ایام عاشورا و تاسوعا، همه و همه، می توانند نشانگر توجه بیشتر به نقش فرهنگ و فرهنگ سازی بشمار رود.

به عنوان شاهد اعتبارسنجی فرضیه «تأثیر فرهنگ جمعی بر پایایی حسینیه ها»، در زمینه «باورهای شیعی و اثر آن در ماندگاری حسینیه ها» در طول تاریخ، به مثابه جایگاه بروز و محل اجرای تعزیه و سوگ و نمایش عزاداری مولا حسین (ع)، «الیاس کانتی» برنده جایزه نوبل دیدگاه خود را این گونه بیان می کند:

«رج و الی امام حسین (ع) یادآور و زنده داشت عاشورا اساس باور شیعی است، این سوگواری و عزاداری به زبان و گونه ای ایمان و باور مذهبی عروج کرده است که تکرار آن عظیم تر و اثرگذارتر از هر اثر برتر می باشد.» (کانتی، ۱۹۷۸، ص ۱۴۵).

پایایی، هویت نمادین و حسینیه

«هویت» یافتن یک فضا با «معانی نمادین» و تبدیل شدن آن به «مکان»، «احساس تعلق» مردم را به آن فضا و مکان افزایش می دهد. همچنین وجود معنا و انگاره های معنوی آن چون «رزشها، اعتقادات، مراسم و آیین های دینی، روحانی و معنوی در هر بنا یا معماری یا مجتمع زیستی» می تواند انسان را با روح آمیخته با آن که دارای سرچشمه های ایزدی است آشنا

نماید، و موجبات پالایش ذهنی و روحی وی را سبب شود. علاوه بر این، بناهای حسینیه و تکایا، پویایی معنوی و کالبدی خود را در طول زمان حفظ کرده و به ندرت متروکه و رها شده اند. این مظاهر هنر معنوی (بناهای کالبدی - فرهنگی) همگام با ورود جامعه جهانی به عصر «فرانوگرایی» و «اطلاعات و ارتباطات» اهمیت ویژه ای یافته اند، زیرا «انقلاب انفورماتیک» باعث کمرنگ شدن اقتصاد مادی و توسعه اقتصادی متکی بر تولیدات فرهنگی شده است. توجه به پدیده های کالبدی و بناهای میراثی و تاریخی بویژه شهرهای تاریخی به لحاظ تنوع کارکردها و منافع مادی و معنوی حاصل از آنها افزایش یافته و به دلیل سهم فراوانی که در تامین منافع ملی دارند در کانون توجه مسایل «اقتصاد فرهنگی» قرار گرفته اند. چشم اندازهای کلان کشور روشنایی بخش غلبه «اقتصاد فرهنگی» بر سایر جنبه های اقتصادی در تامین زندگی مردم است. در چارچوب همین بینش فکری، مساله «شهرهای تاریخی» و بناهای با کارکرد «فرهنگی- اجتماعی» موجود در شهرها اهمیت بسزایی یافته و کانون مطالعه و توجه نظریه پردازان «اقتصاد فرهنگی» و شهرپژوهان قرار گرفته است، زیرا حسینیه ها نقش عمدی در تقویت همبستگی اجتماعی، توسعه فرهنگ اسلامی و رفع مشکلات دارند و زمینه تقویت «مسائل فرهنگی» را همگام با سایر جنبه ها، فراهم می آورند. از سویی دیگر، «انگاره های معنوی» می توانند «تصور ذهنی» به یاد ماندنی و مطبوعی را برای فرد رقم زنند و حس تعلق به محیط و فضای در وی به وجود آورد. از این رو، وجود معنای خاص و بالاخص انگاره های معنوی در هر پهنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله ها تا روستاهای و شهرها می تواند زمینه ساز «ماندگاری و جاودانگی» محیط و فضا و بروز مکان گردد. در واقع معنا و انگاره های معنوی آن به سبب تقویت روابط و تعاملات اجتماعی و

همچنین عدم تکیه بر منافع شخصی و تاکید بر منافع عمومی و عناصر روحانی در نهایت به ارزش های جامعه توجه خواهد کرد و این موضوع عامل مهمی برای ماندگاری و جاودانگی مکان محسوب می شود. به این ترتیب نه تنها در یک مقطع تاریخی، بلکه در طول تاریخ مورد رسیدگی و احترام قرار می گیرد و فضایی برای تقویت روحیه انسانها و ارتقاء روحانی آنها خواهد شد. در این حالت فضا دارای زمان دیگری غیر از زمان حال می شود. تجربه فضا برای استفاده کننده دلپذیرتر و قدرت تاثیرگذاری فضا نیز تقویت می شود و به تبع آن مکان فرصت بروز می یابد و همچنین مجتمع زیستی مطلوب شکل می گیرد. همچنین در «تعریف ماندگاری»، «لینچ» چنین اشاره می کند: «ماندگاری عبارتست از میزان مقاومت عناصر یک مجتمع زیستی در مقابل فرسودگی و زوال و دارا بودن فعالیت طی دوره ای طولانی» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۴۴).

شهادت حضرت امام حسین (ع) در سال ۵۶۱ ق در صحرای کربلا زمینه معنوی احداث «حسینیه ها»

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۲۱



نمودار ۵. پایابی، معنا، تعزیه و حسینیه؛ مأخذ: نگارندهان.

فیزیکی ساده شان دارند. این معانی «قابل درک» هستند و «ادرک» می‌شوند.

این ادراکات غالباً بسیار صریح و مستقیم به نظر می‌رسند چراکه ما بدون اینکه ظاهرا متوجه جزئیات فیزیکی بشویم، این معانی را درک می‌کنیم (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۳). همچنین «کاستلز»، معنا را «تجربه و خاطره‌ای برای مردم» می‌داند (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۲۲). در رابطه با سطح‌بندی معنا، «لنگ» (لنگ، ۱۳۸۱، ۲۳۱) در کتاب «آفرینش نظریه معماری» اشاره می‌کند: «دسته‌بندیهای زیادی از معنا در معماری وجود دارد. تمام دسته‌بندیها بر این دلالت دارند که بعضی از معانی به استفاده ابزاری بالقوه محیط ربط دارند و بعضی معانی دیگر، به کیفیت‌های عاطفی که یک مشاهده گر یا استفاده کننده از محیط دریافت می‌کند. در مورد دوم ابهام بیشتری وجود دارد. چراکه واژگانی چون تصویر، نشانه و نماد که معرف این نوع از معانی هستند اغلب به جای هم استفاده می‌شوند.»

همچنین «معنای مکان» به «زمینه محیطی» آن نیز بستگی دارد. در این رابطه «چارلز موریس» سه سطح از معنا را تحت عنوان «معنای نحوی»، «معنای مفهومی» و «معنای عملکردی» نام برده است:

۱. «معنای نحوی» از چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف نتیجه می‌شود؛
۲. «سطح مفهومی» معنا به هنجارها، ارزشها و نگرشی که یک عنصر کالبدی ارائه می‌کند، اطلاق می‌شود؛
۳. «معنای عملکردی» را به استفاده کنندگان از محیط ربط می‌دهند (همان، ص ۲۳۲-۲۳۱).

در ادامه در انطباق با نمودار مفروض چارلز موریس در رابطه با سطوح معنایی به بررسی آن به ساختار حسینیه‌ها پرداخته می‌شود. شایان ذکر است که حسینیه‌ها به واسطه سطح بالای معنایی، توانسته اند از ماندگاری برخوردار شوند.

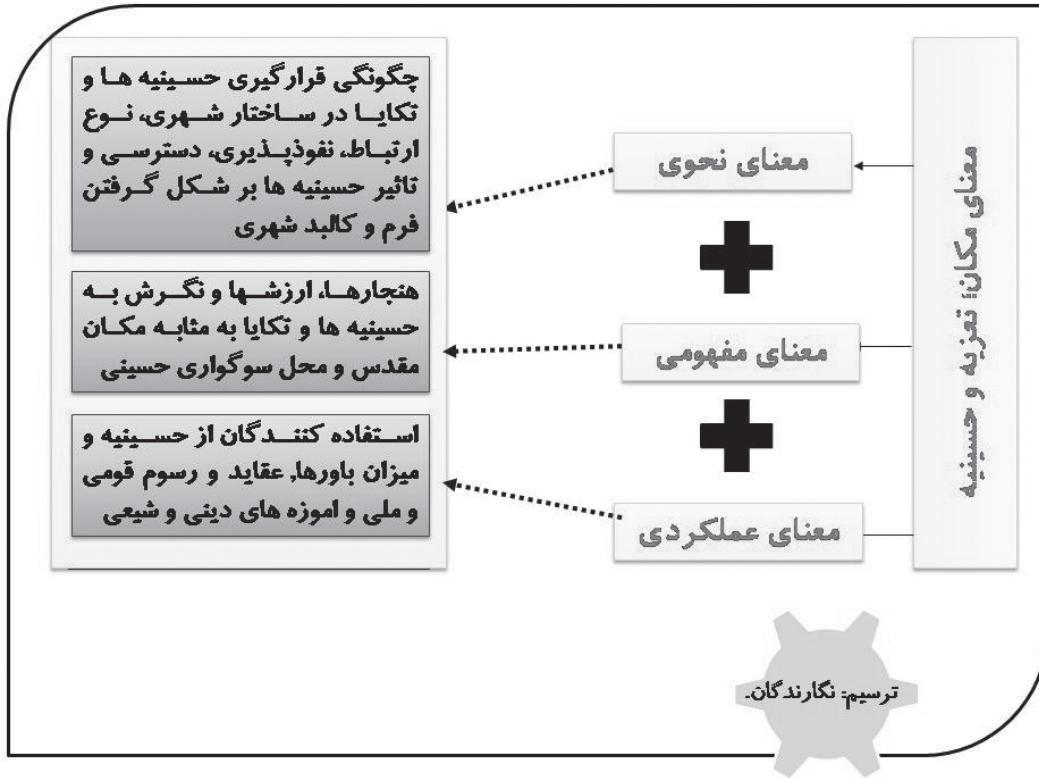
اولین بار «تکیه دولت» در زمان ناصرالدین شاه قاجار در سه طبقه ساخته شد.

پایابی، معنا و حسینیه

«پاکزاد» (پاکزاد، ۱۳۸۵، ص ۷۱-۷۴) در تعریف «معنا»، آن را همراه «فرم و عملکرد»، یکی از سه مولفه سازنده هر پدیده‌ای می‌داند و تسریع می‌کند که معنا، ارزش، مفهوم و پیام (چه عقلی و چه احساسی) یک پدیده است. همچنین وی در تعریف حس معنا در یک محیط و فضا، آن را به مفهوم نقش‌انگیزی ذهنی و معنادار بودن مکان می‌داند. این مولفه که ابتدا علم روانشناسی، در شاخه‌های متعدد خود مانند روانشناسی تپیکلوزی، روانشناسی گشتالت، محیط و رفتار، به آن اشاره داشت و سپس در علوم دیگری مانند نشانه‌شناسی، معنی‌شناسی و سیبریتیک و علوم ارتباطات نیز گسترش یافت و امروزه به معماران و طراحان در شناخت بهتر و کاملتر کلیه جنبه‌های یک مجتمع زیستی کمک شایان توجهی می‌کند.

«لینچ» (لینچ، ۱۳۷۶، ص ۱۶۶-۱۹۲) در تعریفی ساده ولی کامل از معنی آن را «خاصیتی از محیط می‌داند که می‌تواند فرد را به دیگر جنبه‌های زندگی ارتباط دهد.» همچنین در کتاب «سیمایی شهر»، «معنا» را همراه با «هویت» و «ساختار»، یکی از سه زمینه ای می‌داند که بر اساس آنها تصاویر ذهنی افراد از محیط، قابل تحلیل و تبیین است و آن را اینگونه تعریف می‌کند: «معنا، سودمندی احساسی یا عملی محیط است» (لینچ، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

«نیسر» در توضیح تعریف «معنا» می‌آورد: «در یک محیط معمولی، بیشتر اشیاء و پدیده‌هایی که درک می‌شوند، «بار معنایی» نیز دارند. در آنها امکانات مختلفی برای فعالیت وجود دارد. در آنها اشاراتی از وقایعی که اتفاق افتاده و یا ممکن است اتفاق بیفتد، نهفته است. آنها بطور پیوسته و منطقی جزیی از یک مجموعه بزرگتر بوده و دارای هویتی هستند که اهمیتی و رای خصوصیات



نمودار ۶. معنای نحوی، مفهومی و عملکردی در پایایی حسینیه و تعزیه؛ مأخذ: نگارندگان.

در رابطه با معنای محیط حسینیه و نوع باور مرمدمی از آنها، «فرانکلین» در کتابش با نام «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» در فصل از بنگال تا شیراز، در مورد سینه زنی و سایر مراسم خاص محروم و نیز شیفتگی مردم به ائمه و معصومین سخن می‌راند و مشاهده خود از محروم ۱۱۶۶ هجری شمسی که در عهد زندیه است، را اینگونه کامل می‌کند:

«هر روز قسمتی از مأوّعه کربلا توسط افرادی که برای این منظور انتخاب شده‌اند، نمایش داده می‌شود. شمایل و نشانه‌هایی هم در دسته‌ها حمل می‌کند که یکی از آنها نمایشی است به نام «آب فرات». دست‌های بچه‌ها و جوانان که عده‌ای به لباس سربازان ابن سعد و گروهی به قالب همراهان امام حسین (ع) درآمده‌اند، در کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌دوند و با هم نزاع نسبتاً شدیدی می‌کنند و هر یک از این گروه‌ها و دسته‌های

دارای علائم و نشانه‌های خاص خود می‌باشدند.» از آنجا که حسینیه‌ها و تکایا، دسته‌ای از فضاهای جمعی در ساختار شهری بشمار می‌روند، بر این اساس نظریات و مدل‌هایی که در رابطه با «پایداری، ماندگاری و رابطه رفتار و باور انسانی» و شکل‌گیری آن فضاهای جمعی وجود دارند، می‌توانند در رابطه با حسینیه‌ها و تکایا بالاخص در شرایط حاضر و قرن اخیر مورد توجه و استفاده باشند؛ چنان‌که در رابطه با چرایی ساخت تکیه دولت به کمبود فضای تکیه قبلی و استقبال بی‌نظیر مرمدمی بالاخص زنان بر اساس باورمندی و عقاید زمان، اشاره شده است. در خصوص علل ساخت تکیه دولت در کتاب تاریخچه کاخ گلستان و ابنيه سلطنتی نوشته «یحیی ذکاء»، آمده است: «معتبرترین و وسیع‌ترین تکیه‌های تهران که تعزیه‌های دولتی در آن برگزار می‌شد، تکیه « حاج میرزا آغا‌سی» (تکیه دولت قدیم) بود که تکیه

اند، به شدیدترین وجه مورد لعن قرار می دهند»
(فرانکلین، ۱۳۵۸، ص ۷۲).

مدلهای پایایی و پویایی فضاهای جمعی (حسینیه و تکایا)

علاوه بر آنچه گفته شد، نظریه پردازان نیز مدل‌هایی برای طبقه‌بندی این کیفیات در رابطه با «ماندگاری و پایداری» یک فضای جمعی، ارائه کرده‌اند. سه مدل عام در این زمینه عبارتند از:

مدل اپلیارد؛ حالت‌های ادراک انسانی

بر اساس مدل پیشنهادی اپلیارد، می‌توان مؤلفه‌های گوناگون کیفیت طراحی شهری را براساس پاسخگویی به حالات ادراکی مختلف انسان سازمان دهی و طبقه‌بندی نمود. اپلیارد واکنش‌های ادراکی انسان در برابر محیط را به سه

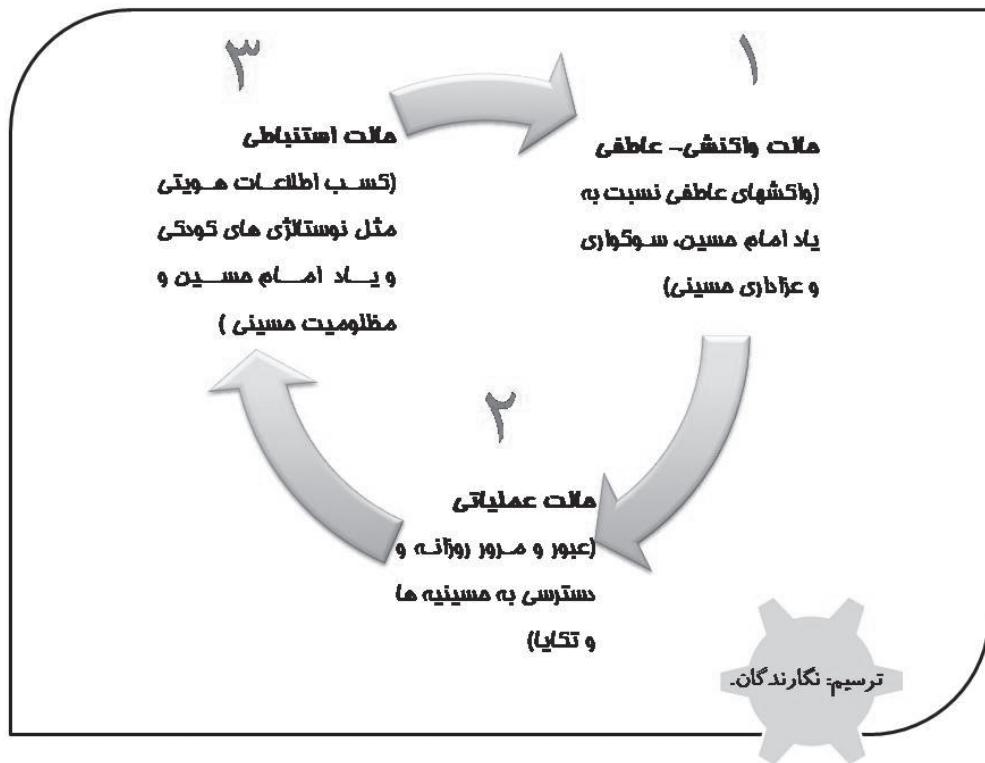
حالت زیر تفکیک می‌کند:

- ۱- «حالت واکنشی- عاطفی»، که در برگیرنده واکنش‌های عاطفی افراد نسبت به محیط است و در این حالت محیط به عنوان محركی جهت بر انگیختن احساسات و تداعی معانی تلقی می‌گردد.
- ۲- «حالت عملیاتی»، که غالباً توسط افراد در زندگی روزمره مانند تردد از مکانی به مکان دیگر جهت کار، ملاقات و غیره به کار گرفته می‌شود.
- ۳- «حالت استنباطی»، که افراد برای حمایت از فعالیت‌های عملیاتی و واکنش‌های عاطفی فوق، در جستجوی کسب اطلاعات از محیط و نهایتاً فهم معنی آن هستند. در این وضعیت اطلاعات استنباط شده، موجب روشن گردیدن هویت فردی و جمعی محیط و جامعه مرتبط با آن و نهایتاً حس مکان می‌گردد.

در رابطه با «مفهوم ماندگاری حسینیه ها و تکایا» با توجه به «مدل اپلیارد» می‌توان اشاره کرد که:
۱. در زمینه حالت عاطفی؛ همه ما احساس عاطفی خاصی نسبت به اولاد پیامبر (ص) و خاصه امام حسین (ع) داشته و داریم، چنان که ذکر آن به تفصیل در تاریخ از دگرگونی ها و تغییرات و استحاله رفتاری از راه گمشدگان و جاهلان، آمده

«عباس آباد» نیز نامیده می‌شد. استقبال شدید مردم به خصوص زنان از نمایش‌های مذهبی، همچنین تنگی و کوچکی فضای تکیه عباس آباد، لاجرم ازدحام و ناراحتی تولید می‌کرد و کار اجرای شبیه گردانی را مختل می‌ساخت و اقتضای زمان و اوضاع نیز تکیه بزرگ تر و وسیع تری را طالب بود، از این رو ناصرالدین شاه ضمن دادن دستور شروع بنای شمس‌العماره، امری نیز برای ایجاد تکیه بزرگی در داخل ارگ سلطنتی به دوستعلی خان معیرالممالک صادر کرد.»

مهمنترین نکته در رابطه با تعمیم این نظریه به حسینیه‌ها به مثابه مکان نمایش‌های آینی و تعزیه، توجه ویژه به «بعد روابی» مراسم تعزیه و سوگواری انجام گرفته در چنین فضاهایی است؛ در واقع منظور این است که «محتوای پیام» عاشورا و حوادث آن، باعث پاسخگویی به «نیازهای عاطفی و دینی» مردم می‌شود که در جریان نمایش تعزیه بوجود می‌آید، چنان که می‌توان به نقل از «فرانکلین» در کتاب «مشاهدات سفر از بنگال به ایران» در زمینه نمایش عروسی قاسم جوان پسر امام حسن (ع) با دختر عمومیش که دختر امام حسین (ع) است، می‌باشد. وی می‌آورد: «پسر جوانی نقش عروس را با همه ترینیتات یک عروس بازی می‌کند. این عروس همراه زنان خانواده که نوحه سرایی می‌کنند، احاطه شده است و باللحنى اندوهبار شعری راجع به سرنوشت دلخراش شوهرش که توسط بى دینان به وجود آمده است بازگو می‌کند. نمی‌توان دقایق جدا شدن آنها را فراموش کرد، وقتی که شوهر «حضرت قاسم» نامزد جوانش را ترک می‌کند تا به جنگ برود همسرش با او لطیف ترین وداع ها را می‌کند و کفنی به وی هدیه می‌کند و آن را دور گردنش می‌بندد. با نشان دادن این صحنه، تماساچی ها به شدت متاثر می‌شوند و به شدت به شیون و زاری می‌پردازند و تمام کسانی را که در قتل عام خاندان پیامبر (ص) دخالت داشته



مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۲۵

نمودار ۷. پایایی و پویایی حسینیه‌ها از دیدگاه اپلیارد؛ مأخذ: ترسیم: نگارندگان.

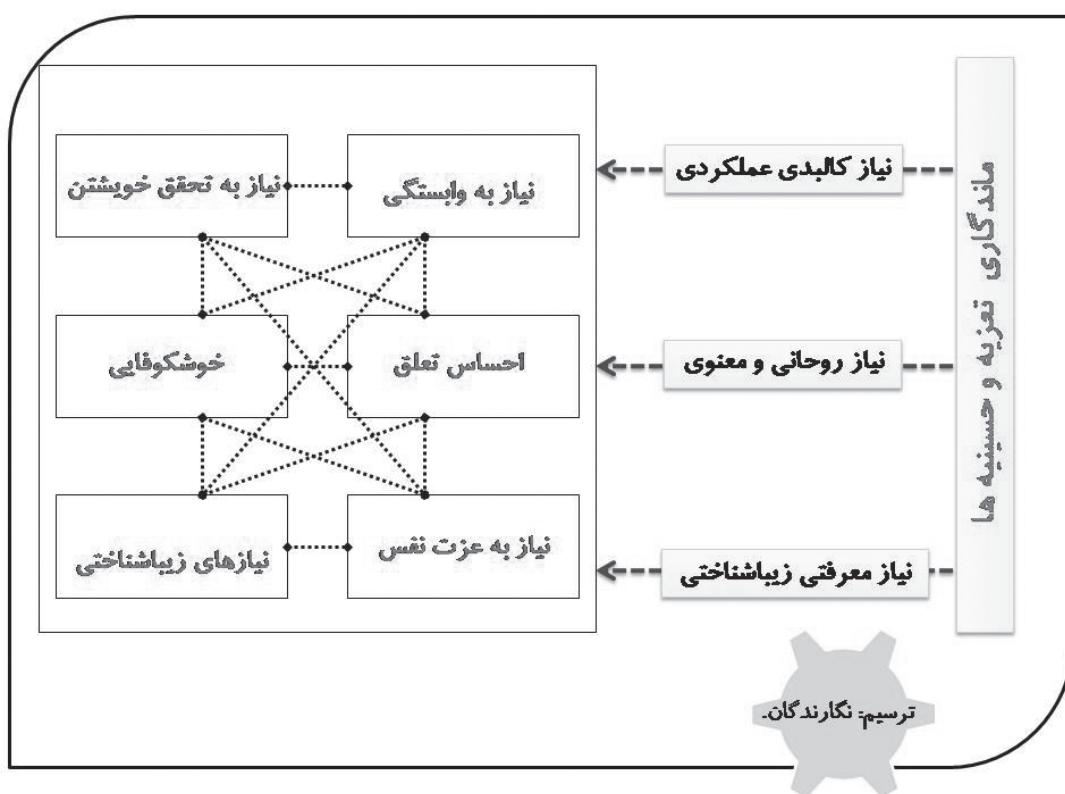
فضاهای سرچشم‌هایی غنی از «مواریث فرهنگی و ارزشی» و «کانون‌های هویت ساز فرهنگی و دینی» بوده‌اند؛ چنان که در هنگام قرارگیری در چنین فضاهایی، مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و مذهبی، به فرد انتقال داده می‌شود. احساس نوستالژیک دوران کودکی در هنگام قرارگیری در این فضاهای، صحنه عاشورا و عزاداری مولا امام حسین (ع) همراه با خاطراتی که مادرانمان در این رابطه برای ما نقل کرده‌اند، همه و همه موید همین مساله یعنی حالت استنباطی حسینیه‌ها می‌باشد. در ادامه به نموداری در این رابطه اشاره شده است:

مدل نیازهای انسانی؛ مدل جان لنگ
این مدل با اقتباس از نظریه سلسله مراتب نیازهای انسانی مازلو تدوین شده است. بر اساس این مدل می‌توان کیفیت محیط شهری را بر حسب برآورده ساختن گونه‌های مختلف نیازهای انسان

است. براستی آیا می‌توان منکر ارادت بی‌چون و چرای قوم و ملت ایرانی نسبت به سalar و سرور آزادگان جهان، گردید؟ در هر حال، نسبت به ارتباط عمیق قلبی و عاطفی با حادثه عاشورای حسینی در بین باورها و عقاید ایرانی، هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد.

۲. در زمینه حالت عملیاتی؛ باید گفت که در گذشته و حال، این فضاهای جزیی بلا منازع از ساختار شهری بوده و هستند که هر روزه مورد استفاده شهروندان و کاربران قرار می‌گیرند. این فضاهای چه از لحاظ قرارگیری در محورهای مراسلاتی و حرکتی، و چه فضاهای جمع شدن عمومی خاصه در دورانی که میدانها صحنه عزاداری و شبیه خوانی و تعزیه خوانی بوده‌اند، همواره محلی برای استفاده و کاربردهای چندمنظوره شهروندان بشمار می‌رفته‌اند.

۳. در زمینه حالت استنباطی؛ شکی نداریم که این



نمودار ۸. پایابی و پویابی حسینیه از دیدگاه لنگ؛ مأخذ: نگارندگان.

يعنى: نيازهای فيزيولوژيکی، نياز به ايمى و امنیت، «نیاز به وابستگی» و «احساس تعلق»، از سه بعد در هم تنیده کالبد، فعالیت و تصورات است. از آنجا که کیفیت محیط شهری یک مکان ناگزیر از پاسخدهی مناسب به ابعاد گوناگون محیط شهری است. می‌توان مؤلفه‌های سازنده کیفیت محیط شهری را مؤلفه‌هایی به موازات مؤلفه‌های سازنده مکان تعریف نمود. به عبارت دیگر، با اقتباس از نظریه مکان پانتر می‌توان گفت کیفیت محیط شهری عبارت است از برآیند سه مؤلفه که هریک از آنها مستکفل برآورده ساختن یکی از کیفیت‌های سه گانه «کالبدی»، «فعالیتی» و «تصوری» محیط شهر است (گلکار، ۱۳۸۰: ۶۵-۳۸). اگر چه پانتر مدل خود را در سال ۱۹۷۷ ارائه داده است، ولی قبل از وی مؤلفه‌های مکان در اندیشه‌های رلف در کتاب «مکان و بی‌مکانی» به صورت سه مؤلفه «کالبد، فعالیت و معنی» در

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۲۶

ترسیم: نگارندگان.

مدل مؤلفه‌های مکان؛ مدل مدل پانتر

مدل مشهور «دیوید پانتر»، از پیشگامان مطالعات ادراکی معماری و طراحی شهری را می‌توان یکی از چارچوب‌های نظری که قادر به تبیین مؤلفه‌های کیفیت طراحی شهری است، محسوب نمود.

جدول ۴. مولفه های مکان از دید پانتر و مونتگمری؛ مأخذ: کارمونا، ۲۰۰۳.

<p>فعالیت: کاربردی، حرکت پیاده، رفتار، الگوها، بو و صدا، حرکت وسایل نقلیه. کالبد: منظر شهری، شکل ساخته شده، نفوذ پذیری، منظر، میلان. معنا: خوانایی، تعامل فرهنگی، عملکردهای ادراکی، جذابیت، ارزیابی های کیفی.</p>	<p>مدل حس مکان رف - پانتر</p>
<p>فعالیت: تنوع سرزندگی، زندگی خیابانی، دیدارهای چهره به چهره مردم، سنتها و سرگرمی های محلی، فرهنگ کافه نشینی، ساعت های باز، حرکت، و جاذبه ها. فرم یا کالبد: مقیاس، نیرومندی، نفوذپذیری، نشانه های شهری، نسبت فضای ساختمان ها، دانه بندی عمودی، عرصه عمومی تصورات: نماد گرایی و خاطره، تصویر پذیری و خوانایی، تجربه حسی، قابلیت ادراک، قدرت پذیرش دسترس روانی، جامعیت و جهان شمول بودن.</p>	<p>مدل مکان پانتر-مونتگمری</p>

مدیریت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

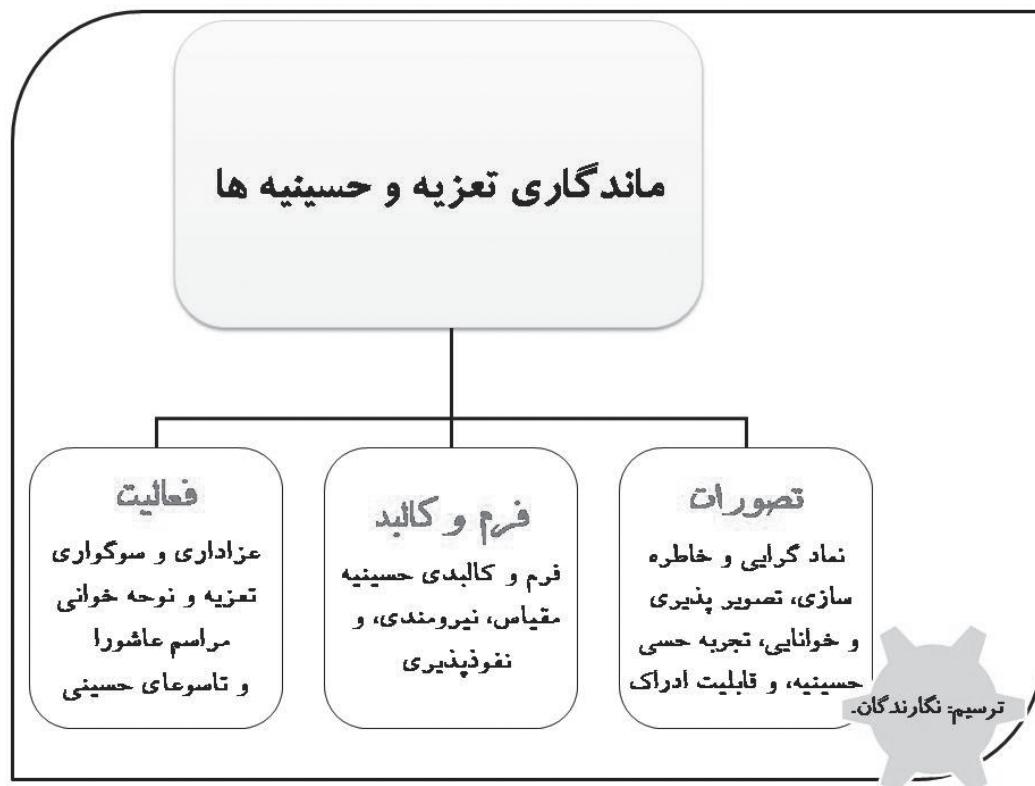
۳۲۷

۱۹۷۶ ارائه شده است. جذابیت ها و کارایی این دو مدل باعث شده است تا دیگر صاحب نظران طراحی شهری نیز با الهام یا اقتباس از آن روایت های متنوعی از مدل مذبور ارائه نمایند. «پانتر» در ۱۹۹۱ و «مونتگمری» در ۱۹۹۸ اجزا تفکر طراحی شهری را در قالب این دو مدل به صورت زیر طبقه بندی می کنند که در جدول زیر به آنها اشاره شده است:

جمع‌بندی و نتیجه گیری

تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از تداوم جلوه های پرستش و دین گرایی در ساخت فضاهای مذهبی نشان داشته و دارد، چنانکه شکل گیری فضاهای مذهبی در ایران (از مسجد گرفته تا خانقاہ و حسینیه) نشان از میزان باورمندی غنی ایرانی به مقوله مذهب و دین خاصه دین مبین اسلام در دوره اسلامی دارد. بر این اساس بوده است که هر نوع مراسم آیینی که از صبغه مذهبی هم برخوردار می شده است، تداوم و استمراری همیشگی در تاریخ ایران می یافته و خود را در صور کالبدی معماری و شهر، به منصه ظهور می رسانده است. زیربنای غنی فرهنگی و دینی ایران نیز خود مoid چنین ادعایی بوده و هست. آیین های جمعی

ماندگاری تعزیه و حسینیه ها



نمودار ۹. پایایی و ماندگاری حسینیه ها و تعزیه در تاریخ؛ مأخذ: ترسیم نگارندگان بر اساس یافته های تحقیق.

اند و اصلی ترین دلیل در ماندگاری آنها در بستر تاریخ، عقاید شیعیان و حس ارادت آنها به خاندان امامت خاصه مولای آزادگان امام حسین (ع) بوده است. در رابطه با «مدل حس مکان رلف-پانتر» می توان گفت که سه مولفه «فعالیت، معنا و کالبد معماري» در حسینیه ها نقشی اساسی در تعامل سازنده با محیط خاصه انسان، داشته و بر همین اساس طبق این مدل حس مکان موجود در فضایی این چنینی است که توانسته است زمینه ماندگاری چنین فضاهایی را رقم بزند. همچنین در رابطه با «مدل مکان پانتر-مونتگمری» می توان گفت که مولفه های سه گانه «فعالیت، فرم و کالبد و تصورات» همواره تاثیرگذارترین جنبه های حسی مکان حسینیه ها و تکایا بوده است؛ چنان که نمی توان منکر تصورات و خاطره های شکل گرفته از این فضاهای و مراسم سوگواری و عزاداری حسینی در اذهان عموم شد که خیل بیشمار آن

مرهون برخی از دوره های تاریخی این سرزمین خاصه دوران آل بویه و صفویه می باشد. در هر حال، تخصیص مکانی به مراسم عزاداری حسینی و مراسم تعزیه و سوگواری سالار شهیدان، باعث ایجاد و شکل گیری گونه ای از فضاهای مذهبی در ایران شده است که با نام «حسینیه» تسمیه یافته است. در رابطه با حسینیه و تاریخچه آن که به تفصیل در گفته ها و نوشته ها نقل گردید؛ چنانکه ریشه آن در خانقاوه و بعدها تکیه است که بدليل آنکه ایرانیان قدیم، دلیلی بر تغییر نام این فضاهای ندیدند، مراسم سوگواری حسینی را در آنها برگزار کرده و بدون تغییر نام مورد بهره برداری قرار دادند؛ بنابراین در واقع حسینیه ها همان خانقاوه ها و تکایای قدیم بوده اند که امروزه نیز باقی مانده اند و مورد استفاده قرار می گیرند. بر این اساس می توان گفت که حسینیه ها بر اساس باورها، آداب و رسوم مسلمانان شکل گرفته

مالی و اجتماعی فعال می باشند. حسینیه های برون شهری بیشتر در ایام خاص و فصول معین فعال هستند، در حالی که حسینیه های داخل شهر عمدتاً در طول سال فعالیت دارند. ساخت حسینیه ها معمولاً براساس مقررات وقف است، وقف، عاملی برای هدایت مفید سرمایه های خصوصی و مشاعی (دسته های مذهبی و اصناف) به سمت عمران شهرها است. در خصوص مشهد، حسینیه ها عامل جذب سرمایه های ملی و حتی بین المللی می باشند. سازگاری قوانین و مقررات مدنی و شهرسازی با قوانین معنوی وقف، ضرورت توسعه و جذب سرمایه های بین المللی و ملی است که نقش عمدہ ای در اشتغال زایی و توسعه شهری دارد. حسینیه ها به دلیل ماهیت مذهبی قوانین حاکم بر آنها که ریشه در وقف دارد، به همراه برخورداری نسبی از امکانات و حداقل فاصله با حرم مطهر حضرت رضاع (ماوایی برای طبقات متوسط و متوسط پایین می باشند. بنابراین تدارک امکانات و تسهیلات مختلف اعم از بانکی، معافیتهای مالیاتی و شهرسازی برای کاهش هزینه و تسريع فرآیند نوسازی کالبدی و تجهیز آنها ضرور است. از اینرو، وجود معنای خاص و بالاخص انگاره های معنوی در هر پنه، محیط و مجتمع زیستی، از واحدهای همسایگی و محله ها تا روستاهای و شهرها می تواند زمینه ساز «ماندگاری و جاودانگی» محیط و فضا و بروز مکان گردد. «معنای مکان» به «زمینه محیطی» آن نیز بستگی دارد. در این رابطه «چارلز موریس» است: الف- «معنای نحوی» از چگونگی قرارگیری یک ساختمان در محیط اطراف نتیجه می شود؛ ب- «سطح مفهومی» معنا به هنجارها، ارزشها و نگرشی که یک عنصر کالبدی ارائه می کند، اطلاق می شود؛ و ج- «معنای عملکردی» را به استفاده کنندگان از محیط ربط می دهد. بر

به نقل افواه و فوج و فوج در ادبیات مكتوب و غیرمكتوب اين سرزمين مورد اشاره قرار گرفته است. در هر حال، می توان بر اساس مدل فوق الذكر، به نموذار زير در رابطه با ماندگاري حسینيه ها و تكيا اشاره داشت:

شاید بر اساس همين ماندگاري ذهنی مردم از حسینيه ها و قداست آنها در نظر عموم بوده است که رویه حاکم بر ساخت آنها نيز «جنبه ای مشارکتی» و «بنیادی مردمی» داشته؛ چنان که انسان احساس می کند که افراد با کمال ميل در اين راه گام می نهند. به دليل ماهیت معنوی پيدايش حسینيه ها، افراد، گروهها، اصناف و دسته های مذهبی خيرانديش در بنيانگذاري و توسعه چنین فضاهايي پيشگام بوده اند. همياري و كمک مردم به اشكال فردي و يا تشکلهای ديني در احداث، خريداري و وقف حسینيه ها و تدارک ملزمات آنها نقش بسزيابي داشته است. بر اين اساس می توان به نتایج زير اشاره داشت: حسینيه ها به تدریج پس از شهادت امام حسین (ع) شکل گرفته اند. بنابراین منشا پيدايش آنها عامل مذهبی و معنوی بوده و شهرهای مذهبی نيز خاستگاه اصلی آنها می باشند. حسینيه ها در ابتدا صرفا کارکرد مذهبی و عبادي داشته اند، ولی به تدریج هم بر تعداد و هم بر تنوع کارکرد آنها افزوده شده است. تا جايی که امروزه با اشغال بخشی از فضای شهری يکی از عناصر عمدہ مذهبی کالبدی شهرها به حساب می آيند. قداست حاکم بر حسینيه ها که ریشه در ماهیت معنوی آنها دارد، عاملی برای توجیه گستردگی و تنوع کارکرد آنها اعم از آموزشی، عبادی، مذهبی و رفاهی است. حسینيه ها با توجه به محل سکونت واقفان، به دو دسته: محلی و خارج شهر تقسیم می شوند. حسینيه های برون شهری نقش های عبادی، مذهبی و اسکان موقت زائران را با هم ايفا می کنند، ولی حسینيه های محلی بيشتر در برگزاری مراسم مذهبی، عبادی، آموزشی،

مددريت شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۲۰۱۵
No.38 Spring 2015

۳۲۹

و حال، این فضاهای جزیی بلا منازع از ساختار شهری بوده و هستند که هر روزه مورد استفاده شهروندان و کاربران قرار می‌گیرند. این فضاهای چه از لحاظ قرارگیری در محورهای مراسلاتی و حرکتی، و چه فضاهای جمع شدن عمومی خاصه در دورانی که میدانها صحنه عزاداری و شبیه خوانی و تعزیه خوانی بوده اند، همواره محلی برای استفاده و کاربردهای چندمنظوره شهروندان بشمار می‌رفته اند.

- در زمینه حالت استنباطی؛ شکی نداریم که این فضاهای سرچشم‌هایی غنی از «مواریث فرهنگی و ارزشی» و «کانون‌های هویت‌ساز فرهنگی و دینی» بوده‌اند؛ چنان‌که در هنگام قرارگیری در چنین فضایی، مجموعه‌ای از ارزش‌های دینی و مذهبی، به فرد انتقال داده می‌شود. احساس نوستالژیک دوران کودکی در هنگام قرارگیری در این فضاهای، صحنه عاشورا و عزاداری مولا امام حسین (ع) همراه با خاطراتی که مادرانمان در این رابطه برای ما نقل کرده اند، همه و همه موید همین مساله یعنی حالت استنباطی حسینیه‌ها می‌باشد.

منابع و مأخذ

- ۱- ابن اثیر (بی‌تا) کامل، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران، انتشارات علمی.
- ۲- ابن اخوه (۱۳۶۰) آیین شهرداری (معالم القربه)، ترجمه جعفر شعار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- ابن خلدون (۱۳۵۳) مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴- افسار نادری، کامران (۱۳۷۸) از کاربری تا مکان، مجله معمار، شماره ۶.
- ۵- پوپ، آ. (۱۳۷۳) معماری ایران، ترجمه غلام حسین صدری افسار، تهران، انتشارات فرهنگان.
- ۶- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۳۶) سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، تجدید نظر حمید شیرانی،

این اساس مشاهده می‌شود که نوع فعالیتهای حاکم بر حسینیه‌ها و تکایا از نوع فعالیتهای اجتماعی بشمار می‌رود که همین مساله باعث ایجاد نوعی روحیه جمعی و عمومی در شکل گیری فضا و القاء حرکتهای فراگیر مردمی می‌شود که نمونه بارز آن در سینیه زنی‌ها، نوحه خوانی‌ها و مراسم روز تاسوعاً و عاشورای حسینی خود را نشان می‌دهد. کاراکتر فضای حسینی، نحوه قرارگیری حسینیه در ساختار کالبدی

شهر، «تحو» دستور زبان ساختاری کالبد شهر، نحوه جهت‌یابی ساکنان شهری بر اساس مکان قرارگیری حسینیه و جهت‌یابی با آن، خوانایی و نمایانی این عنصر شهری و مهمتر از همه روح حاکم بر شخصیت فضایی آن است که بواسطه فعالیتهای جمعی صورت گرفته در آن معنا و اعتبار پیدا می‌کند. با نگاهی به تاریخ می‌توان دریافت که حسینیه‌ها همواره محل اصلی برگزاری مراسم سوگواری و عزاداری امام حسین (ع) بوده و در عین حال، محل برای بروز و به منصه حضور رسیدن موجودیت شیعی و باورهای و عقاید دینی اسلام باشند؛ چنانچه بیشینه اعتبار و کاراکتر فضاهای حسینیه که نقش اصلی را در تبدیل آنها به مکان، دارند؛ از طریق همین ارزش‌های دینی و باورهای اینی وابسته به شیعه بددست آمده است.

- در زمینه حالت عاطفی؛ همه ما احساس عاطفی خاصی نسبت به اولاد پیامبر (ص) و خاصه امام حسین (ع) داشته و داریم، چنان‌که ذکر آن به تفصیل در تاریخ از دگرگونی‌ها و تغییرات و استحاله رفتاری از راه گمشدگان و جاهلان، آمده است. براستی آیا می‌توان منکر ارادت بی‌چون و چرای قوم و ملت ایرانی نسبت به سالار و سرور آزادگان جهان، گردید؟ در هر حال، نسبت به ارتباط عمیق قلبی و عاطفی با حادثه عاشورای حسینی در بین باورها و عقاید ایرانی، هیچ گونه شک و تردیدی وجود ندارد.
- در زمینه حالت عملیاتی؛ باید گفت که در گذشته

میری شهری

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۸ بهار ۹۴
No.38 Spring 2015

۳۳۱

- ۲۱- طالبی، غلامرضا (۱۳۷۸) درآمدی بر ریخت شناسی شهر اسلامی، نشریه شهرداریها، دوره جدید، سال اول، شماره اول.
- ۲۲- عطایی، جنتی (۱۳۳۳) بنیاد نمایش در ایران، تهران، نشر ابن سینا.
- ۲۳- فلاندن، اوژن (۱۳۵۶) سفرنامه فلاندن، ترجمه حسینی نور صادقی، تهران، اشرفی.
- ۲۴- فلسفی، نصرالله (۱۳۳۲) زندگی شاه عباس اول، تهران، دانشگاه تهران.
- ۲۵- فلسفی، نصرالله (بی تا) تاریخ قهقهه و قهوه خانه در ایران، تهران، سخن.
- ۲۶- قبادیان، وحید (۱۳۸۲) بررسی اقلیمی اینیه سنتی ایران، تهران، انتشارات دانشگاه تهران با همکاری مرکز بهینه سازی مصرف سوخت، چاپ دوم.
- ۲۷- کارل گوستاو، یونگ (۱۳۷۷) انسان و سمبول هایش، محمود سلطانیه، تهران، جامی.
- ۲۸- کاشانی، عز الدین محمود بن علی (بی تا) مصباح الهدایه و مفتاح الكفایه، تهران، سینایی.
- ۲۹- کاستللو، وینسنت فرانسیس (۱۳۸۳) سیر شهرنشینی در خاور میانه، ترجمه پرویز پران و عبدالعلی رضایی، نشر نی، تهران.
- ۳۰- کرمانی، احمد (۱۳۵۸) تاریخ تشیع در ایران، تهران، نشر مشکوه.
- ۳۱- کریمی صالح، محمد جعفر (۱۳۸۶) نقش پیامبر اسلام در شکل گیری شهر دینی و سیر تحول آن، نشریه شهرداریها، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۸۵.
- ۳۲- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰) سفرنامه کمپفر، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران، نشر خوارزمی.
- ۳۳- لینچ، کوین (۱۳۷۶) تئوری شکل خوب شهر، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- ۳۴- مجیدی خامنه، فریده (۱۳۸۰) تکیه دولت؛ خاستگاه احیای تعزیه، گلستان قرآن، شماره ۶۰.
- ۳۵- مددپور، محمد (۱۳۸۱) حکمت معنوی وساحت هنر، تهران، نشر فرهنگی منادی تربیت.
- اصفهان، کتابفروشی تایید.
- ۷- تورات (۱۹۷۸) کتاب حرقیال نبی، بی م، بی نا.
- ۸- توسلی، محمد (۱۳۷۹) حسینیه ها، تکایا، مصلی ها، در مجموعه مقالات «معماری ایران دوره اسلامی» به کوشش محمد یوسف کیانی، تهران، انتشارات سمت.
- ۹- جعفریان، رسول (۱۳۸۶) تاملی در نهضت عاشورا، قم، مورخ.
- ۱۰- جین. سی، کوپر (۱۳۷۹) فرهنگ مصور نمادهای سنتی، مليحه کرباسیان، تهران، فرشاد.
- ۱۱- چلبی، اولیا (بی تا) سفرنامه، ترجمه و تلخیص حاج حسین نخجوانی، تبریز، دانشگاه تبریز.
- ۱۲- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸) سفرنامه دروویل، ترجمه جواد محبی، تهران، گوتنبرگ.
- ۱۳- دلاواله، پیترو (۱۳۴۸) سفرنامه، ترجمه دکتر شعاع الدین شفا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۴- رحمانی، جبار (۱۳۸۵) لزوم مطالعات اسطوره شناختی در ایران شیعی: اسطوره شناسی ایرانی شیعی، در مجله فصلنامه انسان شناسی، شماره ۴، تابستان و پائیز ۱۳۸۵ صص ۲۱۵.
- ۱۵- ریچاردز، فرد (۱۳۴۳) سفرنامه فرد ریچاردز، ترجمه مهین دخت صبا، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۱۶- زیدان، جرجی (۲۵۳۶) تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۷- سبزواری، کاشفی (۱۳۵۰) فتوت نامه سلطانی، به اهتمام محمد جعفر محجوب، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- ۱۸- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۲) روند شکل گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران، انتشارات آگاه، تهران.
- ۱۹- صفا، ذبیح الله (۱۳۵۴) مقدمه ای بر تصوف، تهران، سورای عالی فرهنگ و هنر.
- ۲۰- صفا، ذبیح الله (۲۳۵۶) تاریخ سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، امیر کبیر.

- دانشگاه علم و صنعت، تهران.
- ۵۰- نصر، سید حسین (۱۳۸۰) معرفت و معنویت، ترجمه انشا الله رحمتی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سپهوردی.
- ۵۱- نصر، سیدحسین (۱۳۷۵) هنر و معنویت اسلامی، ترجمه رحیم قاسمیان، تهران، دفتر مطالعات دینی هنر.
- ۵۲- نقی زاده، محمد (۱۳۸۶) تاملی در مبانی و جلوه‌های عدالت در آرمانشهر علی (ع)، نشریه شهرداریها، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۸۵.
- ۵۳- نیکلسون، رینولد (۱۳۵۷) پیدایش و سیر تصوف، ترجمه محمد باقر معین، تهران، توس.
- ۵۴- هیلن براند، روبرت (۱۳۸۰) معماری اسلامی، ترجمه باقر آیت الله زاده شیرازی، انتشارات روزنه، تهران.
- ۵۵- الیاده، میرچا (۱۳۷۲) تاریخ ادیان، ترجمه جلال ستاری، تهران، سروش.
- ۵۶- الیاده، میرچا (۱۳۷۵) مقدس و نامقدس، ترجمه نصرا... زنگوئی، تهران، سروش.
- ۳۶- مدنی پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری نگرشی بر فرایندی اجتماعی و مکانی، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی.
- ۳۷- مرکز تاریخ جهانی معماری (۱۳۸۷) تاریخچه معماری جهان، ترجمه: نامشخص، نشریه پیام مهندس، سال دهم، شماره ۴۶.
- ۳۸- مستوفی، عبدالله (۱۳۴۱) شرح زندگانی من، تهران، زوار.
- ۳۹- مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین (۲۵۳۶) مروج الذهب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۴۰- مسکوب، شاهرخ (۱۳۵۰) سوگ سیاوش، تهران، انتشارات خوارزمی.
- ۴۱- مشکوتی، نصرت الله (۱۳۴۹) فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، سازمان حفاظت آثار باستانی ایران.
- ۴۲- مصاحب، غلامحسین (۱۳۸۰) دایره المعارف فارسی (چ ۲)، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی.
- ۴۳- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱) مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی، قم، صدرا.
- ۴۴- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹) اهتزاز روح، تهران، نشر حوزه هنری.
- ۴۵- مظاہری، علی (۱۳۴۸) زندگی روزانه مسلمانان در قرون وسطی، ترجمه مرتضی راوندی، تهران، نشر سپهر.
- ۴۶- معین، محمد (۱۳۷۸) فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیر کبیر (چاپ دوم).
- ۴۷- معین، محمد و سید جعفر شهیدی (۱۳۷۷) لغت نامه (چ ۶)، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران با همکاری موسسه لغت نامه دهخدا.
- ۴۸- منون، پرویز (بی تا) نخستین تعزیه‌ها در ایران، رودکی.
- ۴۹- موریس، جیمز (۱۳۸۴) تاریخ شکل شهر: تا انقلاب صنعتی، ترجمه راضیه رضازاده، انتشارات